

برگزیده - برجسته • شایان • سزاوار
 به آفرید - آفریده شایسته و خوب •
 به آفرین - نگد به " به آفرید " •
 بهان - نیکوان • برتران • شایستگان •
 به اندیش - نیکاندیش • والّا • باخرد
 بهاوند - دارنده نیکی و بزرگی •
 به آمد - خوشآمد •
 به بانو - نیکبانو • بانوی شایسته •
 بهدخت - دختر برجسته • شایسته •
 به دختر - نگد به " بهدخت " •
 بهزن - زن نیک و شایسته و کاردان •
 بهستان - جایگاه نیکی و نیکان •
 بهست - نیک - خوب • والّا •
 بهمان - (مانند مهمان) : نیک • خوب
 بهک - خوب و نیک دوست داشتنی
 به ور - (مانند دلبر) : نیکوکار • خوب
 بهی - خوبی • نیکی • شایستگی •
 بهی بانو - بانوی برجسته و نیک •
 بهی دخت - دختر نیکی و شایستگی
 بهی داد - آفریده خوبی و شایستگی
 بهی زاد - نگد به " بهی داد " •
 بهین - بهترین • برگزیده •
 بهین بانو - برترین بانو • برگزیده
 ترین بانوان • بانوی برجسته •
 بهین دخت - دختر برجسته و خوب
 بهینه - (مانند نگینه) : بهترین •
 شایسته ترین • برگزیده •
 بی بی - زن والّا و نیکو و برجسته •

بیتا - بیمانند • بیهمتّا • یگانه • تک
 بیتاتاج - بیهمتای برجسته •
 بیتا داد - آفریده بیهمتا •
 بیتا دخت - دختر بیهمتا • یگانه •
 بیتا زاد - آفریده یکتا • بیمانند •
 بیژه - ناب • خوب • سره •
 بیمانا - بیهمتا • یگانه • تک • بیمانند
 بیمانند - بیهمتا • تک • برجسته •
 بیهمتا - بیمانند • یگانه • تک •
 پاز - سره • ناب • نازک • خوب •
 پاک
 پاک آفرید
 پاک آفرین
 پاک بانو
 پاک تاج
 پاک داد
 پاک دخت
 پاک دیس
 پاک شیر
 پاک گوهر
 پاک گهر
 پاکیزه
 پرارین - (مانند رواد ید) : خوب •
 شایسته • نیکو • برجسته •
 پسند - پذیرفته شده • خوب •
 پسندا - به دل نشسته • خوب •
 پسنده - پسندیده • خوب • دلچسب

تاز - دلداده • دلباخته • تازنده • دلبر
 تاژ - خوب • نازک • زیبا • پسندیده •
 تاشک - (مانند آهک) : چابک • چالاک
 تپیان - (مانند دلپاز) : آشکار • راستی
 تکدانه - بیهمتا • یکدانه • یگانه •

جوان
 جوان آفرید
 جوان آفرین
 جوان بانو
 جوان تاج
 جوان داد
 جوان دخت
 جوان زاد
 جوان زن

خجسته - فرخنده • خوب • همایون •
 خجسته آفرید
 خجسته آفرین
 خجسته بانو
 خجسته تاج
 خجسته داد
 خجسته دخت
 خجسته بخت
 خجسته فر
 خوب
 خوبان
 خوبان دخت

دادآرا
 دادراست
 دادآفرید
 دادآفرین
 دادبانو
 دادبخت
 داد دخت
 دادک
 دادهوش
 داریا - دارنده • توانگر • برجسته •
 دامو - بزرگوار • بخشایشگر •
 داور دخت - دختر نیک رای • خوب
 دخ - (مانند نخ) : خوب • نیکو • سره
 و شایسته •
 درهشته - (مانند سررشته) : بخشش
 و دهش • بزرگواری •
 دزندیس - (مانند فرنگیس) : گویا •
 دیش - (مانند ریش) : داد و دهش •
 دینا - داوری • داور • بینش والّا •
 رادنوش - باگذشت • رادمند •
 راستار - راست کردار • درست •
 راستک
 راستی
 راستین
 راستین بانو
 راستین دخت
 راستینه

کوشان دخت
 کنیا - دختر خوب • دو شیزه •
 کنیز - زن جوان • فرزانه • پرستار •
 زن دوست داشتنی • همدم •
گزیده - برجسته • شایسته • خوب •
گزیده آفرید
گزیده آفرین
گزیده تاج
گزیده بانو
گزیده بخت
گزیده دخت
گزین
گزین بانو
گزین دخت
گزینه
گنج
گنج آفرید
گنج آفرین
گنج بانو
گنج بخت
گنج دخت
گنج دانه
گنجینه
گوارا
گویا
گیرا

شایان فر
شایسته
شهند - (مانند سمنند) : نیکی و خوبی
فرايسته - والا • خوب • پسندیده •
فره - خوب • شایسته • فراوان • بسیار
فره بخش - پخش کننده خوبی و نیکی
فرهوش - والا • با هوش • هوشمند •
فریانك - آفرین • باشکوه • خوب •
فریانه - آفرین • شکوهمند • بافر •
فری - آفرین • خوشا • دوست •
فریده - خود رای • خودپسند •
فریش - (مانند نویس) : آفرین • نیک
 و بسیار خوب •
کارنگ - (مانند پاسنگ) : خوش زبان •
رسا • خوشگو • خوش سخن •
کتایون - بی آرایش • پاک • خوب •
کتون - (مانند مجوی) : کوچک شده
 "کتایون" در همان چم •
کتی - (مانند همی) : نگه به کتایون
کردمند - (مانند دردمند) : چالاک
 و تند و تیز • شتابنده •
کوشان - پر تلاش • کوشنده •
کوشان آفرید
کوشان آفرین
کوشان بانو
کوشان تاج

ژاو - خوب • ناب • سره • نیک •
ژوان - (مانند روان) : جوان •
ژولیک - زرنگه • چابک به گیلانی •
سارا - ناب • سره • خوب • والا •
سارا آفرید
سارا آفرین
سارا بانو
سارا دخت
ساوز - خوشخو • نیکخو •
سپاس - درود • ستایش •
سپاسه - نگه به "سپاس" •
سپندان - خوب • پاک • اشویی •
ستا - (مانند بجا) : ستایش • ستودن
ستایش - نیایش • ارجمنداری • پرستش
ستوده - پسندیده • ستایش آمیز • خوب
ستوده بانو - بانوی شایسته و نیک •
ستوده دخت - دختر برجسته و نیک •
سره - ناب • خوب • پاک •
سزاوار - شایسته • خوب • درخور •
سوشیانت - (مانند رو بداشت) :
سودبخش • نیک • والا •
شایا - نیک • برجسته • شایسته • خوب
شایان - نگه به "شایا" •
شایان بانو
شایان تاج
شایان دخت
رام - نرم • آرام • خوب • شاد •
رام آفرید
رام آفرین
رام بانو
رام بخت
رام داد
رام دخت
رامفر
راما - آرام • نرم • شاد و خرم •
راما بانو
راما دخت
رام افزا
رام افزون
رامک
رامی - نیک • بایسته • خوب • آرام •
رامی دخت - دختر شاد و آرام •
رامینه - آرام • خوب • شاد و خرم •
رامین بانو - بانوی شاد و آرام
رامین دخت - دختر نیک و خوب •
شاد و آرام •
رستاد - (مانند فرمان) : درستکار •
ریواز - دادگری • درستکاری •
زرواس - (مانند کرباس) : دهش •
بخشش • بزرگواری • گذشت • نیکی •
زریو - (مانند غریو) : آرام • برجسته
 و خود دار از آلودگی •
زریوه - نگه به "زریو" •

لیمان - درست • برجسته • خوب •
لیمان بانو
لیمان دخت
لیمان زاد
لیمان فر

مام
مامک
مامی
مشک ناب

ناب - خوب • برجسته • سره • بیهمتا
ناییری - زن نکوکار و یزدان پرست
نژاده - با تبار • پاک • سره •
نکو
نکوآفرید
نکوآفرین
نکو بانو
نکو بخت
نکو تاج
نکو داد
نکو دخت
نکو زاد
نکوفر
نواز - مهربانی • نوازش • نوازش •
نوازا - نوازش • دلجویی •
نوازش - مهرجویی • مهرورزی •
نوازه - مهربانی • نوازش •

نوباوه - نوآمده • نوبر • خوشآیند •
 پسندیده • ره آورد •
نوراه - نگد به " نوباوه " •
نورد - (مانند نبرد) : درخور • شایا
 و شایسته • پسند شده •
نورهان - (مانند نوزمان) : پیشکش
 و پیشیاره • ره آورد •
نیایش
نیک
نیکآفرید
نیک آفرین
نیک بانو
نیک بخت
نیک تاج
نیک داد
نیک دخت
نیک روز
نیک زاد
نیکفر
نیکمان - شایسته • برجسته • خوب •
نیک گوهر - والاتبار • نیکنژاد •
نیک گهر
نیک نژاد
نیکو
نیکوآفرید
نیکوآفرین
نیکو بخت
نیکوبانو

نیکوتاج
نیکوداد
نیکو دخت
نیکو زاد
نیکوفر

وارسته - آزاده • آزاد از وابستگی •
وردک - (مانند زردک) : آنچه را که
 اروس به خانه داماد برد •
ورساز - (مانند شهباز) : آراسته •
ورسازیه - نگد به " ورساز " •
وشناد - (مانند برباد) : فراوان • پر
 و مالامال • انبوه • سرشار •
وشکرده - (مانند پرورده) : کاربر •
 شایسته • چابک • زیرک • کاردان •
وه آفرید - آفریده نیک •
وه آمد - خوش آمدن •
وه بانو - بانوی نیک و والا •
وه دخت - دختر نیک و شایسته •
وه خوی - نیک منش • نیک خوی •
وه داد - (مانند شهادت) : داده نیک
 و آفریده خوبی و شایستگی •
وه زاد - (مانند شهادت) : نیک زاد •
ویرا - یادگیر • آموزنده • فراگر •
ویژ - بیهمتا • چست • چالاک •

هخا - دوست • مهربان • نیکوکار •
هستو - (مانند پستو) : راستی و پیاکی

ودرستی • واگویی نهفته • پذیرفته •
همتان - همانند • همتا •
همتک - (مانند همسر) : دوست •
 همراه • یار • همدل •
همدم - دوست • همراه • پیاله می •
همراه - هم اندیش • هم آوا • همدل •
همراز - یار • دوست • هم اندیش •
همسو - هم زمان • همراه • هماهنگ •
هنجار - راه • روش • پسندیده •
هنگد - (مانند سنگد) : سنگینی • توان
 هشیاری • خواسته • آهنگد •
هوآفرید - نیک آفریده • خوب •
هوآفرین - نگد به " هوآفرید " •
هو بانو - بانوی خوب و شایسته •
هو بخت - بخت بلند • خوشبخت •
هویر - (مانند هومن) : دارنده نیک
 ها و خوبیها •
هودخت - دختر خوب و برجسته •
هوخت - (مانند سوخت) : گفتار
 نیک • سخن شایسته و خوب •
هوتک - (مانند کودک) : بیهمتا •
 تک • یگانه • بیمانند •
هوداد - آفریده خوب و نیک •
هوزاد - نگد به " هوداد " •
هوده - راست و درست • شایسته •
 نیکی • آراستگی •
هودی - نیک • برجسته •
هورا - نیک اندیش •

هورشت - (مانند موبند) : کردار نيك
 هوزا - نيك آفريده • نيك زا •
 هوزاد - زاده خوب • بانزاد • والدا •
 هوسروب - (مانند خوبروي) : بلند
 آوازگي • نيكنامي • خوشنامي •
 هوش
 هوش بانو
 هوش دخت
 هوشه - (مانند گوشه) : آگاه • باخرد
 وزيرك • جان و دل •
 هوفرات - (مانند او نهاد) : خوشخو
 و مهربان • خوش برخورد و مهرورز •
 هومت - پندار نيك • اندیشه نيك
 هونهاد - پاك سرشت • نيك نهاد •
 هيوند - (مانند بيدرد) : شايستگي
 و پاكدامني • پرهيزگاري و پارسايي •
 يكتا - بيمنند • بي همتا • تك •
 يكدانه - بي همآورد • تك • يگانه
 يكدش - (مانند ورزش) : دلبر •
 دلدار • يار •
 يكدل - هم انديش • همراه • همدل •
 يكدله - نگه به " يكدل " •
 يگانه - بيهمتا • يكدانه • تكدانه •
 يگان - بيهمتا • بيمنند • خوب
 يكسونه - يكسان • برابر • جاويد
 يويه - (مانند هومن) : آرمان نيك
 و آرزوي والدا • راه و روش خوب •

يابنده - به دست آورنده • بهره مند
 ياد - نيروي اندیشه • بيداري •
 يادگار - يادمان • پيشياره • نيك ماند
 يادمان - نگه به " يادگار " •
 يادمند - با هوش • زيرك •
 ياد نيك - با زمان خوب • مانده نيك •
 ياده - نيروي اندیشه •
 يار - دوست • همراه • دلبر • ياور •
 يارس - پشتيبان • همراه • ياور •
 يار قر - فروغ ياري • دوست نيك
 يار فروغ - دوست ارزشمند • ياور نيك
 يارك - دوست مهربان و مهرورز •
 يارگوهر - گران ارج • ارزشمند •
 يارگهر - نگه به " يارگوهر " •
 يارمند - پشتيبان • ياري بخش •
 يار نيك - دوست ارزشمند و خوب •
 يار هور - خورشيد دوستي و نيكي •
 ياري - ياوري • پشتيباني •
 ياسه - (مانند دانه) : آرزو و آرمان و
 راه و روش نيك و بايسته •
 ياور - دوست • همراه • ياري بخش •
 ياور بانو - بانوي نيك و ياري بخش •
 ياور دخت - دختر همدل و همراه و يار
 يكرنگ - يك رو • يكدل • پاك و خوب •
 يكرو - يكدل • همدل • پاك •
 يكره - همراه • همدل نيك •
 يكسانه - يكرو • برابر • بي آلايش •

بخش نهم

فردغ و روشنایی

این بخش در برگیرنده ۳۶۲ نام مییاشد.

آبید - زبانه آتش •
 آتاش - آتش • آذر •
 آتاشا - آتش • آر • آذر •
 آترش - (مانند آترم) : آتش •
 آتره - (مانند پایور) : آتش •
 آتری آفرید - آفریده آتش •
 آتری آفرین - زاده آتش •
 آتری بانو - بانوی آتش •
 آتری دخت - (آتری مانند آشتی) :
 دختر آتش •
 آتری داد - آفریده آتش •
 آتری زاد - زاده آتش •
 آتش افروز - زیبا • خوشگل • پرشور •
 آتش بهار - گل سرخ و لاله •
 آتشپاره - زیبا • گیرا • پرشور و خروش
 آتش دم - گرم • آتشین • پرشور •
 آتش رنگ - زیبارو • گلگون •
 آتش روز - خورشید •
 آتش قام - آتشین • آتش رنگ • گلگون •
 آتش فروغ - پرتو و فروغ آتش •
 آتشك - آتشپاره •
 آتشگون - مانند آتش •
 آتش گهر - بانژاد • والاتبان •
 آتشممان - مانند آتش •
 آتش مهر - آتش خورشید • پر مهر •
 آتش نما - مانند آتش •
 آتشوش - همانند آتش •
 آتشیزه - آتش کم افروخته و گیرا •

آتشین - مانند آتش •
 آتوراناهیت - آتش ناهید • آتشکده ای
 در استخر فارس بسیار با شکوه •
 آتور ناهید - آتش ناهید •
 آذر - آتش • آتور •
 آذر آفرید - زاده آتش •
 آذر آفرین - آفریده آتش •
 آذرباد - نگهبان آتش •
 آذر بانو - بانوی آتش •
 آذر بخت - بخت بلند • شاد بخت •
 آذربوخت - رستگار ایزد آتش •
 آذر خورشید - آتش خورشید • گرم • و
 با شکوه • درخشان و فروزنده •
 آذر دخت - دختر آتش • گرمابخش •
 آذر دیس - مانند آتش •
 آذر روز - نیکبخت • شادمان • فرشته
 نگهبان آتش •
 آذر زاد - آفریده آتش •
 آذر شین - مرغ سمندر • همنشین آتش
 آذر فروز - فروزنده آتش •
 آذرك - آتش دوست داشتنی •
 آذرگان - جایگاه آتش •
 آذرگون - مانند آتش • گلگون • زیبا •
 آذرنگ - روشن • پر فروغ •
 آذرمان - مانند آتش •
 آذرنوش - آتش جاویدانی •
 آذریار - همدم آتش •
 آذرین - آتشین •

آذرین دخت - دختر آتش • گرم و زیبا •
 آذیش - آتشین •
 آریانو - بانوی آتش • گرم و پر مهر •
 آریار - دارنده میوه آتشین •
 آریام - آتش درخشان •
 آریخت - بخت آتشین • نیکبخت •
 آریاک - آتش پاک و اشویی •
 آرتاب - آتش تابان •
 آرتاپیک - آتش تابنده و درخشان •
 آرتاج - تاج آتش •
 آردخت - دختر آتش •
 آر روز - آتشین روز • نیکبخت • روشن
 آرشاد - شاد آتشین •
 آرشید - آتش فرو زنده •
 آرفروز - فروزنده آتش •
 آرگون - آتشین مانند • همسان آتش •
 آر گوهر - آتشین نژاد • پاک تبار •
 آرمه - آتش ماه •
 آرم - (مانند کارگر) : دارنده اندیشه
 پاک آتشین • نیکدل و با مهر •
 آرنار - نار آتشین •
 آرناز - آتش دوست داشتنی • زیبا •
 آرناهید - آتش ایزد باوری و سرسبزی
 آرنوش - آتش جاوید •
 آرنیک - آتش خوب •
 آر هو - آتش خوب • آتش نیک و پاک •
 آرهور - آتش خورشید • فروزان •
 آفتاب - روشنایی خورشید • می ناب

آفتابان - درخشان • فروزان •
 آفتابی - سرخگون • فروزان • رخسند
 آفرازه - زبانه آتش •
 آفروزه - درخشان • فروزنده • آتشنز
 آلاو - (مانند سامان) : زبانه آتش •
 آوه - (مانند کاوه) : کوره آتش •
 آویس - آتش • آذر • آر • آتور •
 آیشم - (مانند بایست) : ماهتاب •
 آبیژک - (مانند کامی فر) : زبانه آتش
 اتون - (مانند همون) : آتش •
 اتون بخت - بخت آتشین • نیکبخت
 اتون داد - داده آتش • آتشین •
 اتون زاد - آفریده آتش •
 اتونه - آتش •
 اتونه دخت - دختر آتش •
 اخگر - تابان • ریزه آتش •
 اخگرزا - آفریننده آتش • تابنده •
 اوروخش - (مانند سودبخش) : درخشان
 اروس - (مانند ملوس) : سفید • زیبا
 و درخشان • خوش اندام •
 افرازه - زبانه آتش •
 افرد - (مانند سرهنگ) : فروغ • پرتو
 افروخته - آتش شده • پراخگر •
 افروز - فروغ و رخسندگی •
 افروزان - تابان • رخشان •
 افروز بانو - بانوی پر فروغ و تابان
 افروز دخت - دختر رخسند و زیبا •

افروزش - افروختگی - روشنایی •
 افروغ - پرتو • تابش • روشنایی •
 افروزه - رخشنده • تابان • آتشگیره •
 افشید - فروغ خورشید • درخشش •
 اور - (مانند سور) : آتش • آذر •
 بامی - درخشان • فروزان • روشن •
 بامیا - پر فروغ • فروزنده • رخشنده •
 بامی بانو - بانوی پر فروغ • فروزان •
 بامی تاج - تاج درخشندگی •
 بامی دخت - دختر درخشندگی •
 بخت افروز - دارنده بخت بزرگ •
 خجسته • خوشبخت •
 بروازه - (مانند دروازه) : آتشی که
 پیشاپیش اروس بر میافروزند •
 بوختار - فروغ و روشنایی •
 به آذر - آتش فروزان و برتر •
 بهتاب - فروزان • درخشان •
 بهشید - رخشنده • تابان •
 بهفروز - نیک افروخته • روشن •
 بهفروغ - نیک پرتو • فروزنده •
 به نار - آتش نیک • نژاده • باتبار •
 بیدخت - درخشان • ستاره ناهید •
 پاکروز - خوشبخت • شاد • روشن •
 پرتو - فروغ • روشنایی • رگه فروزش •
 پرتو آفرید - آفریده فروغ •
 پرتو آفرین - زاده روشنایی •

پرتوبانو - بانوی رخشنده و فروغ •
 پرتوتاج - تاج روشنایی و رخشنده •
 پرتودخت - دختر روشنایی و فروغ •
 پر فروغ - روشن • فروزان • تابان •
 پروك - (مانند بکوش) : درخشان •
 تابا - فروزان • درخشان •
 تابان - رخشنده • پر فروغ •
 تابان آفرید - آفریده فروزش و پرتو •
 تابان آفرین - زاده روشنایی و فروغ •
 تابان بخت - بخت بلند • خوشبخت •
 تابان تاج - تاج رخشنده • سرور • زیبا •
 تابان دخت - دختر فروزش • پرشکوه •
 تابش - پرتو • رگه های فروغ •
 تابناك - درخشنده • تابان •
 تابنده - فروزنده • فروزان • درخشان •
 تابه زر - خورشید • فروغ فراوان •
 تاپيك - درخشان • تابنده •
 تاج فروز - زیبا • درخشان • گیرا •
 تاج فروغ - نگدبه " تاج فروز " •
 تارا دخت - دختر ستاره درخشان •
 تیرا دخت - دختر ستاره رخشنده •
 جام تلا - خورشید • رخشنده •
 جشن آذر - روشنی بخش جشن •
 جشن افروز - فروزنده جشن •
 جشن پرتو - تابان بخش جشن •
 جشن فروز - نگدبه " جشن افروز " •

جشن فروغ - نگدبه " جشن پرتو " •
 جویا فروغ - دوستدار روشنایی •
 چتر زرین - آفتاب • فروغ • فروزش •
 چتر سیمین - ماه شب چهارده •
 چراغ - روشنایی - فروغ •
 چراغك - چراغ دوست داشتنی •
 چرغنده - (مانند رخشنده) : چراغ •
 چلچراغ - روشن افروز • پر فروغ •
 خوش آذر - آتش نیک •
 خوشتاب - رخشنده • فروزان • زیبا •
 خوش فروز - نگدبه " خوشتاب " •
 خوش فروغ - " نگدبه " خوشتاب " •
 داد افروز - آفریده روشنایی •
 داد فروز - داده فروغ و رخشنده •
 دامن فروغ - سرشار از روشنایی •
 درخش - رخشنده • فروغ • آذرخش •
 درخشینه - رخشنده • فروزش •
 دیمه - (مانند بیمه) : روشنی • فروغ •
 و رخشنده • شبنم • باران نرم •
 رخشا - روشن • پر فروغ • پر پرتو •
 رخشان - پرتوافکن • تابان •
 رخشانه - فروغ آور • روشنی بخش •
 رخشنده - درخشان • فروزان •
 رخسان - (مانند پردان) : فروغ •

رخسانه - درخشان • تابان •
 رگسان - نگدبه " رخسان " •
 رگسانه - نگدبه " رخسانه " •
 روز آفرید - آفریده روشنایی و فروغ •
 روز آفرین - نگدبه " روز آفرید " •
 روز چك - درخشان • روشن • پر فروغ •
 روز تاج - تاج روشنایی •
 روز دخت - دختر روشنایی و فروغ •
 روز گرد - (مانند جورکرد) : آفتاب •
 روزگون - روشن مانند روز •
 روشن - فروغ و روشنایی • فروزش •
 روشن - تابان • فروزان •
 روشنا - درخشندگی • فروغ •
 روشناك - تابان فروزنده •
 روشن بانو - بانوی درخشنده و تابان •
 روشن تاج - فر روشنی •
 روشن دخت - دختر فروزندگی •
 روشناك - فروزش دوست داشتنی •
 روشنگه - پرتو افشان • پر فروغ •
 ژابیر - زبانه آتش • اخگر •
 ژابیز - نگدبه " ژابیر " •
 ژابیژ - " نگدبه " ژابیر " •
 ژابیژ دخت - دختر اخگر •
 ژاسر - نگدبه " ژابیر " •
 ژوزه - آتش زیر خاکستر •
 سپیتام - روشن • پر فروغ • فروزان •

سپیتان آفرید - آفریده رخسندگی .
 سپیتام آفرین - زاده فروزش و فروغ
 سپیتام بانو - بانوی درخشش و فروغ
 سپیتام تاج - تاج روشنایی و فروزانی
 سپیتام دخت - دختر روشنایی .
 سپیده - پگاه . روشنی - بام - داد .
 سپیده آفرید - آفریده پگاه .
 سپیده آفرین - زاده روشنایی .
 سپیده تاج - شکوه فروغ بامدادی .
 سپیده دخت - دختر سپیده .
 سپیده داد - آفریده پگاهان .
 سوزان - روزنده . گرمابخش .
 سوزان بانو - بانوی گرمابخش .
 سوزان تاج - تاج مهر و گرما .
 سوزان دخت - دختر اخگر و گرما .
 سوزنده - پر گرما . پر شور .
 شادروز - خرم روز . نیکبخت .
 شادی فروز - فروزنده شادی .
 شادی فروغ - دلشادی . خرمی . فر
 خرمی . شادی درخشان .
 شبآویز - نشان سترگان . مرغ شب .
 شب افروز - پرفروغ . پرتو . نام
 شیرین دل داده فرهاد .
 شب تاب - پر درخشش . روشن .
 شب چراغ - گوهر .
 شب فروز - رخسندگی . فروزان .
 شهاب - تابنده . پر فروغ .

شید - روشنی . رخسندگی . تابش .
 شید آفرید - آفریده روشنایی و فروغ .
 شید آفرین - زاده رخسندگی و تابش .
 شید افشان - روشنی بخش . فروزان
 شیدان - روشن . فروزان .
 شیدان بانو - بانوی رخسندگی .
 شیدان تاج - فرو شکوه رخسندگی .
 شیدان دخت - دختر درخشان .
 شیدان شید - فروغ درخشان .
 شیدانه - رخشان . فروزان .
 شیدبانو - بانوی فروغ و تابندگی .
 شید بر - زیبا . خوشگل . پرفروغ .
 شید بخت - نیکبخت . فرخنده .
 شیدتاب - تابنده . پرتوافکن .
 شید دخت - دختر فروغ .
 شید ناب - روشنایی شکوهمند .
 شیدفش - فروزنده . تابان .
 شیدوش - نگه به " شیدفش " .
 شیده - رخسندگی . روشن . تابنده .
 فرشیده - شکوه روشنایی .
 فر سو - برتر از فروغ .
 فر فروز - شکوه روشنایی .
 فر فروغ - نگه به " فر فروز " .
 فرگون - رخشان . پرفروغ .
 فروز - روشن . تابان .
 فروزا - رخشان . تابان .
 فروزان - نگه به " فروزا " .

فروز بخت - روشن بخت . نیکبخت .
 فروزش - تابش . فروغ .
 فروزنده - تابنده . رخشان .
 فروزین - درخشان . رخسندگی .
 فروزینه - آتشنه . فروزان .
 فروزه - رخسندگی . تابش .
 فروزیده - برافروخته . روشن .
 فروغ - پرتو . روشنایی .
 فروغ افشان - پرتوافکن . رخشان .
 فروغ انگیز - روشنگر . رخشان .
 فروغ آفرید - آفریده . ده . فروغ .
 فروغ آفرین - زاده روشنایی .
 فروغ بانو - بانوی فروزش .
 فروغ بخت - روشن بخت . نیکبخت .
 فروغ دخت - دختر تابش و رخسندگی
 فروغمند - پر فروغ . تابنده .
 فرهور - درخشان . تابان .
 گلتاب - فروغ گل . گل رخسندگی .
 گل رخش - بسیار رخشان .
 گوهر تاب - تابش گوهر .
 گوهر شید - درخشش گوهر .
 گوهر فروز - گوهر فروزان .
 گهر تاب - نگه به " گوهر تاب " .
 گهر شید - " نگه به " گوهر شید " .
 گهر فروز - نگه به " گوهر فروز " .
 لپان - (مانند میان) : رخشان .
 لپان آفرید - آفریده فروغ .

لپان آفرین - زاده فروزش و روشنی
 لپان بانو - بانوی فروغ و رخسندگی
 لپان تاج - تاج درخشش و تابندگی
 لپان دخت - دختر فروزش .
 لیان - درخشان . نام بوشهر .
 لیان آفرید - آفریده فروغ .
 لیان آفرین - نگه به " لیان آفرید " .
 لیان بانو - بانوی رخسندگی .
 لیان دخت - دختر درخشندگی .
 لیانه - رخشان . فرسید .
 ماه پایه - ستون روشنایی ماه .
 مهین آر - آتش بزرگ سربرکشیده .
 مینو آذر - بهشت گرم و آتشین .
 نار آفرید - آفریده آتش .
 نار آفرین - زاده آذر .
 ناربانو - بانوی آتشین .
 نارتاج - فر و شکوه آتش .
 نارداد - زاده آتش .
 نار دخت - دختر آتشین .
 نارفش - همانند آتش -
 نارگون - همانند آتش .
 نارگونه - مانند آتش .
 ناروش - همانند آتش .
 نیک تاب - درخشندگی . برجسته .
 نیک روز - فرخنده . شاد . روشن .
 نیک فروز - درخشندگی . فروزان .

نيك فروزان - رخشان • پرفروغ •

وخش - روشنايي • درخشش •
وخشه - تابش • درخشندگي •
وراغ - (مانند زمان) : آتش • فروغ •
روشنايي • درخشش •
وراغه - نگه به " وراغ " •
ورتاج - خورشيد • نيلوفر •
ورزم - (مانند مرهم) : زبانه آتش •
گل آتش •
ورغ - (مانند برگد) : فروغ • روشنايي •
ورغ آفريد - زاده فروغ •
ورغ آفرين - نگه به " ورغ آفريد " •
ورغ بانو - بانوي فروغ •
ورغ تاج - شكوه روشنايي •
ورغ داد - زاده فروزش و روشني •
ورغ زاد - نگه به " ورغ داد " •
ورغينه - رخشنديگي و تابش •

هورخش - (مانند هومند) : نيسك

روشن • فروزان • درخشان • آفتاب •
هوشبام - بامداد • سپيده دم •
هوشبام آفريد - زاده بامداد •
هوشبام آفرين - آفريده سپيده دم •
هوشبام بانو - بانو سپيده گاه •
هوشبام تاج - تاج پگاهان •
هوشبام داد - زاده بامداد •
هوشبام زاد - آفريده سپيده دم •

هوشبام دخت - دختر سپيده گاهان •

هير

هير - آتش •
هير آفريد - آفريده آتش •
هير آفرين - نگه به " هير آفريد " •
هير افروز - برافروزيده آتش •
هيربانو - بانوي آتشين •
هيرتاب - تابش آتش •
هيرتاج - شكوه آتش •
هيرتارا - آتش ستاره • ستاره آتشين •
هير تيرا - نگه به " هيرتارا " •
هيرداد - آفريده آتش •
هيردخت - دختر آتش •
هيردم - آتش دم • پرمهر و گرمابخش •
هيرروز - آتش روز • نيكيخت • شاد •
هيرزاد - آفريده آتش •
هيرقام - همانند آتش •
هيرفروز - افروزيده آتش •
هير فروغ - پرتو آتش •
هيرگون - همانند آتش •
هير گوهر - آتشين تبار • وال •
هيرمان - همانند آتش •
هيريار - دوست آتش •
هيرماه - آتش ماه •
هيرمهر - آتش مهر رخشان •
هير ناهيد - آتش فرشته باوري •
هير نيك - آتش پاك و اشويي •
هيرفش - همانند آتش •

بخش دوازدهم

گل و گیاه

و

درخت

این بخش در برگزیده ۷۷۲ نام مییاشد.

آبشن - (همانند بادزن) : گیاهی بابرگی خوشبو برای جشنها و شادباشها .
 آبرون - (همانند واژگون) : گل همیشه بهار با رنگهای گوناگون .
 آیو - (همانند پارو) : گل نیلوفر .
 آتش بهار - گل سرخ . لاله .
 آذریو - گل زرد رنگ زیبا . گیاهی از رده اسفناجیان .
 آذریویه - گل آذریو .
 آذریون - گل همیشه بهار .
 آردم - (همانند کارگر) : گل همیشه بهار .
 آرگل - گل آتش . گل آتشین .
 آزاده - سوسن . سرو .
 آزاد درخت - درختی با گلهای بنفش .
 آزاده سرو - نام درخت سرو .
 آزادگل - گلی بسیار زیبا .
 آزاله - درختچه ای با گلهای سرخ و سفید خوش رنگ کوچک .
 آژند - (همانند چاچنگ) : گلی زیبا .
 آس - گیاهی بسیار خوشبو .
 آس بیری - (همانند کامبری) : گلی زیبا .
 آسمار - درخت گل .
 آسینه - گیاهی بادانه های خوشبو .
 آلاله - لاله . گل رنگارنگ زیبا .
 آلفج - (همانند آشف) : میوه ای خوش مزه همچون آلوچه .
 آتسته - (همانند بایسته) : بیخ گیاهی خوشبو و زیبا .

آویشه - گیاهی سبز رنگ و خوشبو .
 ایرش - (همانند همدم) : سرو کوهی .
 اترج - (همانند پرده) : ترنج .
 اخلور - (همانند مهنوش) : میوه ای سرخ رنگ و سیاه خوشبو و خوشگوار .
 اامن - (همانند همسر) : مشک ناب .
 اریو - (همانند مهر و) : میوه ای خوش مزه مانند گللابی کوچک .
 ارجان - (همانند زنجان) : بادام کوهی .
 اردانه - (همانند مردانه) : گلی زیبا .
 اروز - (همانند مرز) : درخت سرو و انار .
 بها و ارزش . پایه و جایگاه . ارج .
 اروزه - درخت سرو . با ارزش . ارجمند .
 ارغج - (همانند پرده) : گیاه پیچنده .
 ارغژ - نگه به " ارغج " .
 ارغک - نگه به " ارغج " .
 ارغوان - درختی با گلهای سرخ رنگ .
 ارمود - (همانند مهنوش) : میوه ای چون گللابی ، گوارا و خوش مزه .
 اروانه - (همانند پروانه) : گلی زیبا .
 ارور - (همانند دختر) : رستینها .
 ازدو - (همانند پررو) : درخت بادام کوهی .
 از رنگ - (مانند سرهنگ) : میوه خوشبو .
 اسپرزه - (همانند دل به سر) : گیاهی از باهنگها ، از رده پیوسته گلبرگها .
 اسپرس - (همانند دل بدل) : گیاهی از تیره پروانه داران با گلهای هم رنگ زیبا .

اسپرک - (همانند بهترک) : گیاهی از تیره کوکناریان با گلهای زرد و سپید .
 اسپرم - (همانند بهترم) : گلی خوشبو و گلها و گیاهان .
 اسپرهم - نگه به " اسپرم " .
 اسپیکل - (دل چی شد) : مرغزاری پر از گلهای رنگارنگ .
 اسپند - گیاهی خوشبو و اشویی .
 استرنگ - (همانند درکمند) : گیاهی زیبا که نرو ماده به هم می آمیزند .
 استبرار - (همانند به نگار) : مرجمک .
 اشنان - (مانند پرکار) : درختچه ای با گلها و برگهای گوناگون .
 اشتوا - (مانند پیرسا) : سبزه و گیاه .
 اشکفه - (مانند دلهره) : بهار . شکوفه .
 اشکفت - (مانند دل گفت) : شگفتگی گل .
 اشنوم - (مانند گلبوی) : نگهبان " اشنان " .
 اشنه - (مانند گلپر) : گیاهی زیبا .
 اشنیان - (مانند به میان) : گیاهی با برگهای ریز فشرده به هم از اسفناجیان .
 اشه - (مانند هنر) : گیاهی خوشبو .
 اقرا - (مانند فردا) : درخت تناور سخت .
 اقیمون - (مانند در بیرون) : شکوفه گیاهی بسیار زیبا .
 اکسیه - (مانند مدیه) : می نابی از جو .
 اکشوس - (مانند سرپوش) : گیاه خوشبو .
 الوج - (مانند ملوس) : گیاهی با گل کبود که در سنگستان می روید .

امرود - (مانند کمروی) : گللابی .
 انار - میوه خوشگوار در چم آتشین .
 انار دانه - دانه انار . زیبا . خوشگل .
 انارک - انار دوست داشتنی و کوچک .
 انارگل - گل انار .
 انداو - (مانند فرجام) : گیاهی خوشبو .
 انژه - (مانند غمزه) : مرجمک .
 انگبین - اسل . شیر گیاهی .
 انگریز - (مانند در ریز) : گیاهی با گلهای زرد رنگ بسیار زیبا .
 انگوبین - نگه به " انگبین " .
 اوجا - (مانند بوزا) : درخت جنگی .
 اورس - (مانند نودل) : سرو کوهی .
 اورسنه - (مانند سوردرهم) : گیاهی خوشبو . سرو کوهی .
 اوشه - (مانند توشه) : گیاهی خوشبو .
 بااوش - (مانند خاموش) : خوشه انگور .
 بابونه - گیاه خوشبو با گلهای زرد رنگ .
 باتس - (مانند کابل) : میوه ای خوش مزه . ترنج .
 باتو - (مانند باکو) : ترنج .
 بادام - میوه خشک درختی .
 بادامک - درخت میوه دار .
 بادامه - مانند بادام . زیبا . غشنگ .
 نگین انگشتر - پیله ابریشم .
 بادرونه - (مانند بابونه) : گیاه خوشبو .
 بارانک - درختی از تیره سرخیان با

گل‌های سفید و سرخ •
بازدانه - دسته‌ای از درختان سبز و خرم
باسبوس - (مانند سالروز) : مرزنگوش •
باشتین - (مانند آستین) : میوه گوارا •
بالنگ - (مانند آهنگ) : ترنج شیرین نرم
بان - درختی از دسته دولپه‌ای با گل‌های سفید و سرخ به گونه خوشه در بالای ساغه
بان - وابسته به " بان " •
بدران - (مانند سروان) : سبزه رستنی
برتاشک - (مانند مردانه) : گیاهی خوشبو به نام " بومادران " •
برس - (مانند گرز) : میوه سروکوهی •
برس غنچه - غنچه سروکوهی •
برسم - (مانند همدم) : شاخه درخت هوم که در نزد ایران پرستان اشویی و والسا
برم - (مانند سرم) : سبزه کنار جویبار ها • شکوفه درختان •
برنجاسب - (مانند بدهکار) : گیاهی به نام " بومادران " •
بریغ - (مانند دریغ) : خوشه انگور •
بژند - (مانند کمند) : گیاهی خوشبو •
بست - (مانند رفت) : گلزار • جایگاه میوه‌های خوشبو • کوه • بلندی •
بستان آرا - گل‌گلزار • زیبا •
بستان افروز - گل تاج خروس • زیبا •
بسیا - (مانند دریا) : می انگوری •
می ناب • باده سرخ‌رنگ خوشگوار •

بشنین - (مانند گلچین) : گلی مانند نیلوفر در میان آب • روز برون آب و شب در درون •
بلادر - (مانند بهادر) : میوه‌ای است که در پزشکی نیز به کار می‌آید؛ زیور
بن گل - ریشه گل • تبار گل • بانژاد •
بوژنه - (مانند کوه سر) : غنچه و شکوفه •
بوستان گل - باغ گل • گلستان •
بومادران - گیاهی بسیار خوشبو با گل‌های گرد زیبا •
بوچه - گیاهی زیبا که بر درخت پیچد
بوی رنگ - گلی زیبا •
بوینک - (مانند هوشنگ) : گیاهی زیبا
بویه - (مانند بویه) : شاه تره • آرزو •
به - میوه خوشبو • خوب • نیک •
بهار - شکوفه و گل سردرخت •
بهرامن - (مانند تردامن) : گل‌کازیره
یاغوت سرخ • ابریشم هفت رنگ •
بهرامه - (مانند شهنامه) : گل بید
مشک • ابریشم •
بهرمان - (مانند غهرمان) : گل گوهر
بپش - (مانند دشت) : میوه‌ای درختی
بهگل - زیباتر از گل •
بپی - میوه به • نیکویی • خوبی •
بیدمشک - درختی از گونه بید با شکوفه‌های خوشبو •
بیش بهار - رستنی زیبایی که برگ‌های

آن پیوسته سبزا است و در گیلان آنرا " شب جوان " میخوانند •
پاشنگه - (مانند آهنگه) : خوشه انگور
پامچال - گل زیبای پس از برف •
پتونک - (مانند ستونک) : گیاهی بسیار خوشبو که آنرا " نانا " گویند
پدما - (مانند درجا) : گل نیلوفر •
پری گل - فرشته‌ای از گل •
پریوش - گل سرخ و سفید با غچه‌ای
پسته - میوه خشک خوشمزه •
پلنگمشک - گلی به رنگ پلنگی که بوی مشک میدهد •
پمبک - (مانند دنبک) : شکوفه •
پن - (مانند شد) : جوانه • برگ نورس •
پندک - (مانند پرده) : گلی مانند گنبد • غنچه گل • جوانه •
پنیرک - گلی سرخ‌رنگ که گل‌ها با گردش خورشید می‌چرخند •
پودنه - (مانند خوب سر) : پونه •
پودینه - پونه • نانا •
پوز - گیاهی خوشبو •
پوزه - گیاه درخت پیچ •
پویچه - (مانند دریچه) : گیاه درخت پیچ زیبا • •
پیتک - (مانند زیرک) : خوشه انگور •
پیچک - گیاه همیشه سبز و زیبا •
پیون - (مانند بیژن) : گیاه خوشبو •

تاج گل - برتر از گل •
تاج‌ورد - تاج گل •
تازه گل - گل نوشکفته •
تاژ - درخت کاج • نازک و نرم •
تاژک یون - رستنی مانند بستان افروز
تاژو - درخت همیشه سبز •
تاژی - درختی بسیار زیبا •
تاک - درخت رز • درخت مو •
تاهو - می ناب • می انگوری •
تراهی - (مانند تباهی) : میوه نویر •
ترشک - (مانند اردک) : میوه‌ای خوش مزه و گیاهی با برگ‌های ترش مزه •
ترشه - (مانند گفته) : نگه به " ترشک "
ترشینک - (مانند خورجینک) : نگه به " ترشه " •
ترغنچه - غنچه زیبا و گیرا •
ترگل - شاداب - زیبا • تر و تازه •
ترنج - میوه خوشگوار • پیچ و خم •
ترنج زر - خورشید •
ترنگان - (مانند کلنگان) : گیاهی خوشرنگ و زیبا •
تروشه - (مانند زمونه) : میوه و گیاهی
تروند - (مانند فرزند) : میوه نورس •
تژ - (مانند کج) : برگ درخت • جوانه • شاخه نورسته •
تژده - (مانند پرده) : غنچه گل و درخت
تژوال - (مانند گچکار) : شاخه نازک • برگ گیاه و رستنی •

رادبوی - گیاه خوشبو • اود •
رازك - گیاه خودروی با ساغه پیچیده
 و گل‌های خوشبو و برگ‌های روشن •
رازیام - گیاه خوشبو با برگ‌های چتری
رازیان - نگه به " رازیام " •
راژ - خرمن •
راژك - گیاه خودرو و پایا با برگ‌های
 خوشبو و زیبا •
راشین - دارنده خرمن‌های گندم و جو
رامك - (مانند دامك) : گیاهی خوشبو
راناس - درختی از تیره گل سرخیان •
راوچه - (مانند ناوچه) : گونه‌ای انگور
راوك - (مانند دانه) : می پاك و ناب •
رز آب - (مانند زرتاب) : باده ناب •
رزین - (مانند تن گل) : ریشه تارك •
درخت رز • **نهال رز** • **درخت مو** •
رز دخت - دختر رز • می • **آب ناز** •
رزك - (مانند سرك) : گیاه همیشه سبز
 که به تنه درختان می پیچد •
رزگل - (مانند زر شد) : می ناب •
رزمل - (مانند در شد) : می گلگون •
روناس - (مانند تودار) : گیاهی با
 برگ‌های نوک تیز و گل‌های زرد رنگ •
روشفك - گیاهی خوشبو و دارویی •
رویا - (مانند بويا) : رستنی •
ریوند - (مانند بی بند) : گیاهی از
 تیره هفت بندیان با گل‌های زیبای
 نر و ماده •

خرمن دخت
خرمن گل
خندان گل
خندان غنچه
خندان می - می ناب و زیبا و تابنده •
خنده گل - شکوفایی - زیبایی •
خنده می - پرتومی ناب •
خوشك - خوشه دوست داشتنی و ملوس
خوشه - دانه‌های به هم پیوسته میوه
خیری - گلی خوشبو به ویژه در شبها
دابا - گل سرخ •
دادگل - زاده گل •
دامان گل - پر از گل • گلباران •
دامن گل - سرشار از گل • پرگل •
دانك - (مانند شانه) : تكدانه ملوس •
دیاب - (مانند گلاب) : گیاهی خوشبو
دیال - (مانند سوار) : ترنج •
دختر جم - می ناب • باده خوشگوار
دختر رز - می ناب • باده سرخ رنگ •
دره گل - گلباران • زیبا پیکر •
دستنبو - میوه خوشبوی درختی •
دستنبویه - نگه به " دستنبو " •
دشت گل - سرشار از زیبایی و گل •
ده مست - (مانند یکدست) : درختی
 خوشبو و در زمستان سرسبز •
رابو - گلی بهاری بسیار زیبا •

تزه - (مانند مزه) : غنچه •
تكژ - (مانند كمر) : دانه و تخم انگور •
تلكا - (مانند به سزا) : گلابی • امرود
تمشك - میوه جنگلی تودمانند •
تنگش - (مانند به دل) : درخت كوچك
 همیشه سبز با گل‌های سپید و ارغوانی
توتك - توت كوچولو و دوست داشتنی
توری - درختچه پراز گل •
توسكا - درختی بسیار بلند و زیبا •
تی تی - شکوفه‌های بهای به گویش
 کیلانی و مازندرانی •
تیروند - (مانند شیر بند) : میوه تازه
 و نوبرانه •
تیس - درختی از تیره گل سرخیان که
 برگ‌هایش در هم آمیخته و گل‌هایش
 سپید خوشه‌ای و میوه‌اش ریز و سرخ است
جغاره - (مانند سواره) : نخستین
 رویش هنگام بهار •
جغش - (مانند سرد) : نخستین سبزه
 و گیاه روییدنی بهار •
جغشت - (مانند نشست) نگه به " جغش " •
جلیو - (مانند زمین) : گیاهی مانند
 نانا خوشبو •
جم اسپرم - (مانند سربه سرم) : گیاهی
 با شکوفه‌های بسیار ریز و زیبا •
جوان اسپرم - گیاهی خوشبو •
چارگل - گل رنگارنگ •
چاوله - (مانند دامنه) : گل سدرگ •
چترك - گیاهی گلدار •
چچك - (مانند نمك) : گل رخ • خال •
چميك - (مانند پرده) : گل زرد رنگ •
چمن
چمن آرا
چمن افروز
چمن بو
چمن داد
چمن ده
چمن راد
چمن زا
چمن زاد
چمن ناز
چنبا - (مانند تنها) : گلی زیبا و زرد
 رنگ مانند زنبغ سپید •
چنیو - (مانند مهرو) : توت خودروی
 خوشمزه ارغوانی رنگ •
چنور - (مانند بزور) : گلی زیبا •
چویل - (مانند زمین) : گیاه خوشبو که
 زیر برف می‌روید •
چیلانه - درخت اناب • سنجد •
خاورگل - گل خاور • گل خورشید •
خجسته - گل همیشه بهار • فرخنده •
خرمن - توده گندم و جو •
خرمن بانو

زادسرو - زاده سرو - آزاده
 زادگل - آفریده گل - زیبا
 زراوشان - (مانند بکارشان) : کلسی
 بسیار زیبا و درشت
 زرگل - گل تلایی و زرین
 زرگنج - گیاهی زیبا
 زرنیله - (مانند غربیله) : ریواس
 زرین ترنج - خورشید
 زرین گل - گل زیبا و تلایی
 زریون - سبز و خرم - لاله
 زفران - زبانه گل بسیار خوشبو
 زنبغ - (مانند پرده) : گل پیلگوش
 زنبک - نگه به " زنبغ "
 زنگو - (مانند هم گو) : درختی زیبا
 زیبا گل - گل خوشگل و غشنگ
 زنگو - نگه به " زنگو "
 زازک - (مانند پاشد) : لوبیا
 زازومک - نگه به " زازک "
 سابود - گیاه درخت پیچ به نام
 دلداده - خرمن ماه
 ساتل - (مانند بادل) : گیاهی دارویی
 که به شیرازی " روشنگ " گویند
 ساوین - سبد گل
 سپاری - (مانند شکاری) : خوشه گندم
 سبزپهار - گلی - آهنگی
 سبزه بال - گونه ای انگور

سپند - سبزه و گیاه پاک و اشویی
 سپیتاک - گیاهی با میوه ای خوشه
 انگوری
 سپرهم - (مانند به مرهم) : گل خوشبو
 سترنگ - (مانند ده رنگ) : گیاهی به
 ریخت آدمی که بسیار زیباست
 ستی - (مانند بهی) : میوه گوجه مانند
 سرخ گل - گل سرخ
 سرسیم - گیاه خوشبوی جنگلی
 سرمک - (مانند زردک) : گیاهی است
 سرو - درختی زیبا و برکشیده
 سرو آزاد - بلندبالای آزادمش
 سروانه - گردنفرزانة آزادمشانه
 سروبالا - زیبا خوشگل غشنگ - بر
 کشیده و خوش اندام - بلند بالا
 سروبانو - بانوی آزاده - زیبا - کشیده
 سرودخت - دختر سرو - آزاده - زیبا
 سروستان - جایگاه سرو - آزادگان
 سروسپی - سروبالا بلند و کشیده
 سروگل - گل همچون سرو - کشیده
 سروناز - سرو دوست داشتنی - ملوس
 سروین - مانند سرو ، زیبا و کشیده
 سروین دخت - دختر سرو - آزاده و
 زیبا و برکشیده
 سروینه - نگه به " سرو "
 سمن - گل خوشبو و زیبا - یاسمن
 سمن دخت - دختر گل سمن
 سمن سا - همانند گل سمن

سمو - (مانند مگو) : گونه ای گیاه
 خود رو در کوهستان که خوردنی است
 سمیرا - (مانند کتیرا) : گیاهی به گونه
 کاسنی ، زیبا و خوشبو
 سنبل - گل رنگارنگ خوشبو
 سنبله - گل سنبل
 سندروس - سروکوهی
 سوریان - گل های سرخ شادی
 سوسن - گل خوشبو و رنگارنگ
 سوسنبر - گلی با برگ های سپید و
 گل های سرخ نزدیک به ارغوانی
 سوسن دخت - دختر سوسن
 سوسنک - سوسن دوست داشتنی
 سوسنه - گل سوسن
 سه گل - توت جنگلی - تمشک
 سیاب - گیاهی خوشبو - زندگی
 آرایش - آراستن
 سیب گل - مانند گل سیب
 سیسنبر - گلی خوشبو (سوسنبر)
 سیم گل - گل نغره ای - سیمین گل
 سیمین گل - گل نغره ای
 شایانک - (مانند بادامک) : درختی و
 گیاهی دارویی خوشبو
 ساخ سمن - اندام زیبا
 شاخه گل - زیبا - غشنگ - آراسته
 شاداسپرم - گلی خوشبو
 شاکل - گل گلهای گل بزرگ و زیبا

شاوران - (مانند داوران) : گیاه گلدار
 و رنگارنگ زیبا
 شاه اسپرم - گیاه خوشبو
 شاه پسند - گیاهی با گل های رنگارنگ
 شاه تره - گیاهی از تیره کوناریان
 با گل های کوچک سپید سرخین
 شاهدانه - دانه بزرگ - گیاهی زیبا با
 گل های آویخته از تیره گزنه ها
 شاه درخت - درخت زیبای سنوبر
 شاه لوک - میوه زرد رنگ چون زردآلو
 شب انبوی - گلی زیبا
 شب بو - گل بلند آوازه خوشبو
 شیرم - (مانند مهتر) : گیاهی شیر
 دار که در کنار جویبارها میروید
 شب ناز - گلی بسیار زیبا
 شکفته - گل باز شده
 شکوفا - گل شکوفنده
 شکوفه - جوانه گل
 شمشاد - درخت بلندبالای زیبا
 شمشاد بانو - بانوی زیبا و برکشیده
 شمشاد دخت - دختر زیبا و خوش تن
 شمین - خوشبو - بوی گل
 شنگ - (مانند چهر) : گونه ای گیاه
 شنگل - گل تازه
 شه گل - گل بزرگ
 شهما - دانه های سیاه میان گل
 سیاه چشم
 شهما دخت - دختر گل شهما

زادسرو - زاده سرو - آزاده
 زادگل - آفریده گل - زیبا
 زراوشان - (مانند بکارشان) : کلسی
 بسیار زیبا و درشت
 زرگل - گل تلایی و زرین
 زرگنج - گیاهی زیبا
 زرنیله - (مانند غربیله) : ریواس
 زرین ترنج - خورشید
 زرین گل - گل زیبا و تلایی
 زریون - سبز و خرم - لاله
 زفران - زبانه گل بسیار خوشبو
 زنبغ - (مانند پرده) : گل پیلگوش
 زنبک - نگه به " زنبغ "
 زنگو - (مانند هم گو) : درختی زیبا
 زیبا گل - گل خوشگل و غشنگ
 زنگو - نگه به " زنگو "
 زازک - (مانند پاشد) : لوبیا
 زازومک - نگه به " زازک "
 سابود - گیاه درخت پیچ به نام
 دلداده - خرمن ماه
 ساتل - (مانند بادل) : گیاهی دارویی
 که به شیرازی " روشنگ " گویند
 ساوین - سبد گل
 سپاری - (مانند شکاری) : خوشه گندم
 سبزپهار - گلی - آهنگی
 سبزه بال - گونه ای انگور

سپند - سبزه و گیاه پاک و اشویی
 سپیتاک - گیاهی با میوه ای خوشه
 انگوری
 سپهرم - (مانند به مرهم) : گل خوشبو
 سترنگ - (مانند ده رنگ) : گیاهی به
 ریخت آدمی که بسیار زیباست
 ستی - (مانند بهی) : میوه گوجه مانند
 سرخ گل - گل سرخ
 سرسیم - گیاه خوشبوی جنگلی
 سرمک - (مانند زردک) : گیاهی است
 سرو - درختی زیبا و برکشیده
 سرو آزاد - بلندبالای آزادمش
 سروانه - گردنفرزانة آزادمشانه
 سروبالا - زیبا خوشگل - غشنگ - بر
 کشیده و خوش اندام - بلند بالا
 سرو بانو - بانوی آزاده - زیبا - کشیده
 سرو دخت - دختر سرو - آزاده - زیبا
 سروستان - جایگاه سرو - آزادگان
 سروسپی - سروبالا بلند و کشیده
 سروگل - گل همچون سرو - کشیده
 سروناز - سرو دوست داشتنی - ملوس
 سروین - مانند سرو ، زیبا و کشیده
 سروین دخت - دختر سرو - آزاده و
 زیبا و برکشیده
 سروینه - نگه به " سرو "
 سمن - گل خوشبو و زیبا - یاسمن
 سمن دخت - دختر گل سمن
 سمن سا - همانند گل سمن

سمو - (مانند مگو) : گونه ای گیاه
 خود رو در کوهستان که خوردنی است
 سمیرا - (مانند کتیرا) : گیاهی به گونه
 کاسنی ، زیبا و خوشبو
 سنبل - گل رنگارنگ خوشبو
 سنبله - گل سنبل
 سندروس - سروکوهی
 سوریان - گل های سرخ شادی
 سوسن - گل خوشبو و رنگارنگ
 سوسنبر - گلی با برگ های سپید و
 گل های سرخ نزدیک به ارغوانی
 سوسن دخت - دختر سوسن
 سوسنک - سوسن دوست داشتنی
 سوسنه - گل سوسن
 سه گل - توت جنگلی - تمشک
 سیاب - گیاهی خوشبو - زندگی
 آرایش - آراستن
 سیب گل - مانند گل سیب
 سیسنبر - گلی خوشبو (سوسنبر)
 سیم گل - گل نغره ای - سیمین گل
 سیمین گل - گل نغره ای
 شایانک - (مانند بادامک) : درختی و
 گیاهی دارویی خوشبو
 ساخ سمن - اندام زیبا
 شاخه گل - زیبا - غشنگ - آراسته
 شاداسپرم - گلی خوشبو
 شاکل - گل گلهای گل بزرگ و زیبا

شاوران - (مانند داوران) : گیاه گلدار
 و رنگارنگ زیبا
 شاه اسپرم - گیاه خوشبو
 شاه پسند - گیاهی با گل های رنگارنگ
 شاه تره - گیاهی از تیره کوناریان
 با گل های کوچک سپید سرخین
 شاهدانه - دانه بزرگ - گیاهی زیبا با
 گل های آویخته از تیره گزنه ها
 شاه درخت - درخت زیبای سنوبر
 شاه لوک - میوه زرد رنگ چون زردآلو
 شب انبوی - گلی زیبا
 شب بو - گل بلند آوازه خوشبو
 شیرم - (مانند مهتر) : گیاهی شیر
 دار که در کنار جویبارها میروید
 شب ناز - گلی بسیار زیبا
 شکفته - گل باز شده
 شکوفا - گل شکوفنده
 شکوفه - جوانه گل
 شمشاد - درخت بلندبالای زیبا
 شمشاد بانو - بانوی زیبا و برکشیده
 شمشاد دخت - دختر زیبا و خوش تن
 شمین - خوشبو - بوی گل
 شنگ - (مانند چهر) : گونه ای گیاه
 شنگل - گل تازه
 شه گل - گل بزرگ
 شهما - دانه های سیاه میان گل
 سیاه چشم
 شهما دخت - دختر گل شهما

شپین- شیره درخت • بزرگ •
 شیرین گل - گیرا • دلچسب • زیبا •
 شیلان- گلی بسیار زیبا •
 شیلان- گلی و درختی •
 شیوران- (مانند زیوران): گیاهی •
 پر گل رنگارنگ و خوشبو •

غرنگل - گل میخک •
 غرژه - (مانند دلمه): دانه‌های جدا
 شده انگور به گویش خراسانی •
 غنچه

غنچه پر

غنچه دخت

غنچه داد

غنچه زا

غنچه زاد

غنچه سا

غنچه سان

غنچه گل

غنچه نوش

غنچه وار

غنچه وش

غوشه - (مانند کوره): گیاه خوشبوی

فاغر- (مانند با دل): گلی خوشبو با

کرایش به زردی مانند زنبغ •

فاغیه - نگه به " فاغر " •

فایدمین - گل نیلوفر •

قراته - (مانند گرازه): آب انگوری
 که با آمیختگی با چیزهای دیگر ،
 گونه‌ای شیرینی میسازند •
 فرزد - سبزه پیوسته در آب و همیشه
 تازه • دانش و خرد بسیار •
 فرزه - (مانند کرده): گیاه خوشبو
 و سبز و تر و تازه •

فرشک - (مانند تمشک): خوشه انگور

فرقت - (مانند پرده): شاه تره •

فر گل - فروغ گل • تاج گل •

فرمه - (مانند ترمه): بنفشه •

فرنج مشک - (مانند مرنج پشت):

گیاهی با شاخه‌های پر پشت و پر گل

فریر - (مانند دبیر): گیاهی خوش

بوکه شادی آفرین است •

فریز - (مانند مریز): گیاهی خوشبو

فریس - نگه به " فریز " •

فری مینو - گلی بسیار زیبا و گیرا •

کاژه - درخت همیشه سبز • کاج •

کاژیره - گلی با دانه‌های سپید •

کاس بانو - گلی زیبا و خوشبو •

کاس گل - دسته گل • کاسه گل •

کاشه - (مانند کاسه): خانه ساخته

شده با سبزه و گیاه در کشتزارها •

کاکوتی - گیاهی خوشبو و خوشمزه •

کاکوش - گل بنفشه •

کاناز - بن خوشه خرما •

کتام - (مانند زبان): جالیز سرا •
 کتانه - درختی کوچک به کردی •
 گریا - (مانند فردا): میوه‌ای کوهی •
 کرکاش - (مانند سرکار): گیاهی با
 برگ‌های نرم و سبز روشن و پرگل •
 کرکو - (مانند هم خو): درختی چون
 درخت افرا: زیبا و تناور سخت •

کنار - (مانند دچار): میوه سرخرنگ

کنافز - (مانند سوار): نگه به "کاناز" •

کلالك - (مانند دوباره): دسته گل •

کلاله - دسته گل و موی پیچیده •

کویا - خرمن به مازندرانی •

کویل - (مانند بزدل): شکوفه درخت

نوشکفته و نهال • جوانه •

کویله - (مانند بزدله): شکوفه بهار

گل

کلاب

کلابه

گل آتش - (گل دو آتشه بسیار زیبا

که تازی پرستان آنرا به گل محمدی

برگردانده‌اند) •

گل آفرین - گلباران • گل زیور • گل آرا

گل آر - گل آتش • شکوه آتش •

گل آرا

گل زاد

گل آسا

گل آسمان

گل آفرید
 گل آفرین
 گل آگین
 گل آوا
 گل آور
 گل آویز
 گل آیین

گل ابریشم - درخت شب خواب درگیلان

گل افرا - گل درخت افرا •

گل افروز - پرورش دهنده گل •

گل افزا - مهربان - نیکدل • شادی بخش

گل افزون - افزونگر گل • شادی بخش

گل افسر - تاج گل • برتر از گل •

گل افشان - مهر ورز • شادی بخش •

گللال - (مانند خدای): مهربان •

گللاله - لاله گل •

گلان - پر گل • گلینه •

گلاندخت - دختر گل‌ها •

گلانه - مزدگانی به گویش خراسانی •

گلبار

گلباران

گلباش

گل باغ

گل باغچه

گل‌بام

گل‌بان

گل‌بانگ

گل‌بانو

گل بخش
 گلبر - گل پیکر • گل تن •
 گل برار - همسان گل •
 گلبران
 گلبرگ
 گلبن
 گلبند
 گلبو
 گل بوته
 گلبوس
 گلبوسه
 گلبوم
 گلبونه
 گل بهار
 گل بهاران
 گلپاره
 گل بهشت
 گل بهشته
 گلپیز
 گل پارسی - گلی سرخ‌رنگ و زیبا که
 گل سد رنگ نیز گویند •
 گلپاره
 گلپنیر
 گلپر
 گلپران
 گلپری
 گل پسند
 گل پناه

گلبو
 گلبویه
 گلپوش
 گل پونه
 گلتاب
 گلتاج
 گلتار - همچون تارها ورشته گل •
 گلتاک - گل تاک • گل سرکشیده •
 گلتایه - همانند گل • همتای گل
 گل تر - گل تازه • رخ زیبا •
 گلجاه - گرامی • بلند پایه • ارجمند
 گل جوان
 گل جهان
 گل چشمه
 گل چمن
 گلچین
 گل خرمن
 گل خنده
 گل خندان
 گلخو - دارای منش و خوبی چون گل •
 گلداد
 گلداده
 گلدار
 گلدامن
 گل دخت
 گل دختری
 گل دسته
 گل دوست

گلنیس - همانند گل زیبا و گیرا •
 گلنیز - مانند گل •
 گلرام
 گلریبا
 گلرز - گل درخت مو • می ناب • آب ناز
 گلرنگ
 گلریز
 گلزا
 گلزاد
 گلزار
 گل زر
 گل زری
 گل زریں
 گل زریون
 گل زیبا
 گلزا - مانند گل زیبا •
 گلسان - مانند گل گیرا و زیبا •
 گلستانه
 گلستو
 گلستوخ - هر گل سرخ و نام آفتاب •
 گلستی - همانند گل بودن •
 گل سرخ
 گل سفید
 گل سفک
 گل سیب
 گل سیم
 گل سیما
 گل سیمین

گلشاد
 گلشاه
 گل شکر
 گلشن
 گلشهر
 گلشید - فروغ و روشنایی گل •
 گل شیرین
 گل غنچه
 گلغام - همانند گل زیبا •
 گلفر
 گل فروز
 گل فروغ
 گل فشان
 گلک - (مانند شده) : گل کوچولو •
 گل گلاب
 گل گرد - (مانند گل کرد) : گلی که با
 گردش خورشید میچرخد •
 گلگشت
 گل گل
 گل گلی - پر گل •
 گلگون
 گلگونه
 گل گیتا - گل جهان •
 گل گیتی
 گل لادن
 گلماں - همانند گل زیبا و غشنگ •
 گلماه
 گل مرجان

مه گل - گل سرآمد و زیبا •
میردینی - گلی بنفش • بافته پرنده
میشا - گیاه همیشه سبز • گل همیشه
 بهار •
میشایی - نگه به " میشا " •
میش بهار - گلی زیبا • همیشه بهار •
می گل - زیبا - گیرا • گل می •
مینا - گل سپید و نام پرنده •
مینا بانو - بانوی گل مینا •
مینا دخت - دختر گل مینا •
میناوش - مانند گل مینا •
نار آرا - نار آتشین •
نارین - ریشه انار • زیبا • سرخرو •
نارپوست - نارگون • پوست اناری •
ناردانه - گلگون • خوشگل • زیبا •
ناردخت - دختر انار • گیرا و زیبا •
نارگل - گل انار • غشنگو دلچسب •
نارگون - به رنگ گل انار • زیبا •
نارمشک - درختی با گل‌های سپید •
نارنج - میوه خوشمزه •
نارنگ - همان " نارنج " است •
نارنگی - میوه خوشمزه •
نارون - (مانند دادگر) : زن نارپستان
ناسپال - (مانند پارسال) : انار و پوست
 نار • زیبای نارگونه •
نرگس - گلی زیبا • چشم دلبر •
نرگس بانو - بانوی همچون گل نرگس

لاله گون
لاله وش
لاله وشان
لیانه - (مانند زبانه) : درختچه ای
 جنگلی و بسیار سودبخش •
لکا - (مانند مرا) : گل سرخ •
لی - گونه‌ای گیاه کنار استخرها •
لی لی - گیاه " لی " •
لیلان - گیاه گیاهان •
لیلوفر - گل نیلوفر •
ماهوردانه - میوه درخت جوانی •
مرزنگوش - گیاهی با گل‌های رنگین •
مستو - (مانند پرتو) : گل سرخ‌رنگ •
مشک بید - (مانند گل دید) : درختی
 که از آن مشک میگیرند •
مشک خوشه - گونه‌ای دانه انگور •
مشکدانه - دانه‌ای خوشبو که آنرا
 سوراخ کنند و به رشته کشند •
مشکنافه - گیاهی با دانه‌ی خوشبو •
مشکیجه - گلی سپید و خوشبو •
مغنیا - (مانند مه‌سیما) : گلی سیاه
 رنگ و بسیار زیبا •
مل - (مانند پل) : باده ناب انگوری
مورد - درخت همیشه سبز و گرامی •
موژان - (مانند توفان) : غنچه نیم
 شکفته نرگس •
مهر گیاه - گیاه مهر و دوستی •

کلمر - (مانند دختر) : گلی خوشبو •
گل میخک
گل مشک
گل مشکین
گل‌مل - (مانند پرگل) : گل می • می‌ناز
کلمهر
گل مینا
گل مینو
گلنار
گلناران
گلناری
گلناز
گلنازان
گلنازی
گلنام
گل ناهید - (نازی پرستان آنرا گل
 حسن یوسف خوانند) •
گل‌نرگس
گل نسرین
گل نغمه
گل‌نو
گلنواز
گلنوش
گلوار - مانند گل
گلوان
گلوانه
گل‌ور
گلوران
گل‌وش - مانند گل •
گل وشان
گلی
گلپار
گلپاز
گلین
گلپان
گلینوش
گلیدخت
گلی‌ناز
گلینه - سرشار از گل •
گوشوارک - درختچه‌ای جنگلی •
لادین - (مانند کارشد) : گلین • هر
 گل و شکوفه • گل لادن •
لادن - گلی خوشبو و زیبا •
لادین - گل لادن •
لاله - سرخ‌رنگ • گلی با رنگ‌های بسیار
لاله بوی
لاله خند
لاله دخت
لاله دختر - گونه‌ای لاله که کنارهای
 آن سرخ‌رنگ و میانش سیاه است و به
 آن " آذرگون " نیز گویند •
لاله سرخ
لاله سفید
لاله زار
لاله کوهی

نرگس بوی - خوشبو و زیبا •
نرگسه - سیما و پیکر تراشیده نرگسی
نژه - (مانند همه) : شاخه های نازک و
 باریک سیم وزری که به گونه گل باشند
 و نام ستاره های نیز هست •
نسترن - گل خوشبوی زیبا •
نسترون - گل نسترن •
نسرین گل سپید رنگ سد برگ •
نسرین بانو - بانوی همچون نسرین
نسرین دخت - دختر نسرین •
نسرین مان - همانند گل نسرین •
نسرین مهر - فروغ گل نسرین •
نسرین نوش - گل نسرین جاویدان •
نسرین وش - همانند گل نسرین •
نارینه - همچون نار •
نازگل - زیبا و دلپذیر و ملوس •
نازگلی - همچون نازگل •
نمک - (مانند لب پر) : میوه ای است
 خوشمزه و بیابانی •
نوبر - گل و میوه تازه رسیده •
نورس - نگ به "نوبر" •
نورستار - نگ به "نوبر" •
نورسته - نگ به "نوبر" •
نوژن - (مانند سوزن) : درخت کاج •
نوشکفته - تازه و شکوفا •
نوش گیاه - گیاهی کوهی • در چم
 هستی بخش و جاویدانی کن •

گلنوش - گل جاوید • هر چیز گوارا
 و می ناز • آهنگی از بارید •
نوکل - گل تازه و نوشکفته •
نونپال - نهال تازه رسته •
نپال - درخت نورس •
نیژ - گیاه درخت پیچ •
نیلپر - نیلوفر •
نیلوپر - نیلوفر •
نیلوفر - گلی بسیار زیبا با رنگهای
 گوناگون در آب و خشکی •
واس - خوشه گندم •
والان - رازیانه •
ورتا - (مانند برپا) : گل •
ورتا آفرید - آفریده گل •
ورتاج - (مانند سرتاج) : گلی سرخ رنگ
 که پیوسته روبه آفتاب دارد •
ورتا دخت - دختر گل •
ورتانه - همانند گل •
ورتانه داد - آفریده گل •
ورتانه زاد - داده گل •
وردا - (مانند فردا) : گل هر درخت
 و به ویژه گل سرخ •
ورداور - (مانند سرتاسر) : مانند گل
 سرخ زیبا و گیرا و دلچسب •
وردخت - (مانند برگفت) : دختر گل •
وردک - (مانند زردک) : گل سرخ کوچک
وردک بانو - بانوی زیبا چون گل سرخ

وسنگ - (مانند کمند) : گل بولیمو
 مانند که از درز سنگها میروید •
ول - (مانند شد) : شکوفه گلها •
ون - (مانند زن) : زبان گنجشک •
ونجنگ - (مانند مردور) : شاه اسپرم •
وندانه - (مانند دندانه) : دانه درخت
 "ون" که زبان گنجشک است و میوه ای
 وند - (مانند دنده) : سبزی •
ونژد - (مانند پرده) : شیر درخت زبان
 گنجشک •
ونفشک - گل بنفشه •
وننگ - (مانند پلنگ) : سرخوشه های
 انگور آویزان • تاک انگور •
ونوشه - گل بنفشه •
ونیزه - (مانند منیزه) : ونژد •
ویسر - (مانند کی سر) : گل سپید با
 برگهای میان پنج تا سد •
ویرج - (مانند ایرج) : سوسن زرد •
ویره - (مانند چیره) : درخت بی ساغه
وین - (مانند دین) : انگور سیاه •
هچند - (مانند کمند) : گیاهی اسفناجی
هرشمه - (مانند سرور) : گیاه درخت پیچ
هرنوه - (مانند دممه) : میوه درخت اود
هزار افشان - تاک بیابانی پیچیده •
هزار رخشان - میوه خوشه انگوری •
هلفدوز - (مانند چمن سوز) : گیاهی است
هلیانه - (مانند پروانه) : شاه تره •

همه گل - سراپا گل • گلباران • زیبا •
همیشه بهار - گلی رنگارنگ و زیبا •
همیشه جوان - گیاهی با گلهای بنفش •
هنمد - (مانند پرده) : گیاه در آب •
هوجره - (مانند هومنه) : گیاه آرام بخش
هوزان - نرگس نو شکفته •
هو گل - غشنگ و گیرا • گل خوب •
هوم - گیاه اشویی ایران پرستان •
هوم بوی - دارای بوی خوب هوم •
هوم یار - دوست هوم •
هیری - گلی خوشبو و ویژه در شبها •
هیزارما - گیاه خوشبو و نام "نانا"
هیزاو - (مانند بیتاب) : نگبه هیزارما
هیشر - (مانند کی سر) : گیاهی پر گل •
یاس - گلی زیبا با رنگهای گوناگون •
یاس بانو - بانوی یاس • زیبا و گیرا •
یاسبوی - دارای بوی دل انگیز یاس •
یاس دخت - دختر گل یاس •
یاس غنچه - غنچه یاس بودن •
یاس گل - مانند گل یاس •
یاسم - (مانند بادل) : گل یاسمن •
یاسمان - مانند گل یاس •
یاسمن - گلی رنگارنگ و خوشبو •
یاسمن دخت - دختر گل یاسمن •
یاسمون - گل یاسمن •
یاسمین - گل یاسمن •
یاسمین دخت - دختر گل یاسمین •

بخش سیزدهم

مهر و مهرمند

خرد و خردمند

دانش نشیند

این بخش دارای ۱۷۳ نام میباشد.

آرایش جهان - نام آهنگی است .
آرایش خورشید - نام آهنگی است .
آزادوار - نام آهنگی است .
آموزا - آموختنی . فراگرفتنی .
آموزش - فرادهی . فراگیری .
آموزه - فراگرفته . آموخته . دانا .
آمیزه - پیشوا . رهبر . سراینده .
آوا - سداى دلپذیر .
آواز - سداى دل انگیز .
آهنگ - نوا . سرود . آوا . فرادید . رای .
ارژنه - (مانند زمزمه) : آهنگی دشتی
اریس - (مانند زمین) : باهوش . زیرک
اریش - (مانند کشیش) : بخرد . دانا .
ازمل - (مانند سرور) : آواز . نوا . همه .
اژیر - (مانند وزیر) : هوشمند . پارسا .
زیرک . باخرد . دانا .
اسپنا - (مانند فرهسا) : زنی باخرد
و دانشمند . درچم : باهوش . دانا .
انداجه - (مانند انداز ه) : اندیشه .
اندیشا - با اندیشه . روشن بین . دانا
اندیشه - نیروی خرد . پنداروالا .
اورنگی - آهنگی از بارید . درچم : تخت
شاهی .
باغ شیرین - آهنگی از بارید .
برک - (مانند نمک) : ساز و آهنگ .
سامان و مهمانی . پذیرایی .

بهار بشکنه - نام آهنگی است .
بیارش - (مانند همایش) : خردمندی .
دانایی . چاره .
پرین - (مانند زمین) : دختر دانشمند
غبادشاه ساسانی . درچم : پروین .
پژوه - جویندگی . بررسی . جستجو .
پژوها - دانشور جوینده .
پژوهش - دانش اندوزی . بررسی .
پژوهنده - دانش اندوز .
پنجهکیک دری - آهنگ هفتم بارید .
پورچیستا - دخترک کوچک اشوزردشت و
همسر جاماسب . درچم : پردانش .
پوشکان - (مانند خوگران) : نسام
آهنگی است . درچم : نادانستنیها .
پویا - دانش اندوز . پژوهشگر .
پویش - جستجو . پژوهش .
پویه - پژوهش شده . جستجو .
پندار - اندیشه . گمان .
پنداره - نگه به " پندار " .
تارلا - سرود . ترانه .
ترانه - سرود . نوا . زیبا .
تلا - سرود . ترانه . نغمه . زر .
تنبور - نام سازی است .
تن ناز بانو - بانویی دانشمند .
جویا - جوینده . پژوهشگر .

جویان - در چم " جویا " .
 جویان دخت - دختر دانشمند . دانا
 جوینده - پژوهشگر . جستجوگر .
 چامه - سروده . سخن زیبا .
 چسته - (مانند دسته) : نغمه . آهنگ
 چغان - (مانند زمان) : نام سازی . نام
 آهنگی . در چم : نغمه ، سروده ، کوشا .
 چغانه - نگه به " چغان " .
 چغنه - (مانند نغمه) : نام سازی .
 چکامه - سروده . سخن آهنگدار .
 چکاوک - (مانند سرآمد) : نام آهنگی
 باستانی . پرنده ای زیبا .
 چنک - نام سازی .
 چهچه - آواز بلبلان .
 چیستا - خرد . دانش . آگاهی .
 خرد - بینش . اندیشه والا .
 خردبانو - بانوی خرد . دانشمند .
 خردتاج - تاج خرد . دانشمند . دانا .
 خرد دخت - دختر خردمند .
 خرمة - (مانند سرمه) : همسر مزدک که
 به گسترش آیین او پرداخت .
 خنیا - (مانند گلپا) : سرود . نغمه .
 خوشنوا - خوش سدا . خوش آواز .
 خوشنواز - نیک پنجه
 دادآفرید - آهنگ شادایرانی .

دارات - نغمه . دست افشان .
 دستان - سرود . نغمه . ترانه .
 دل انگیزان - نام آهنگی .
 دهار - (مانند بهار) : دانش ، فرهنگ ،
 شور و غوغا .
 رامش - ساز و آهنگ . آسایش .
 رامش جان - آهنگی از باربد .
 رامش جهان - آهنگی از باربد .
 رامشگ - (مانند با مهر) : آرامش .
 رامشگری . شادگیری .
 رامشگر - شادی آفرین .
 رامینه - شادی آفرین .
 راه دستان - آهنگی باستانی .
 راه خسروانی - آهنگی از باربد .
 راه روان - نام آهنگی است .
 راه شببیز - آهنگ سیزدهم باربد .
 راه غلندر - آهنگی باستانی .
 راه گل - نوایی شادی بخش .
 رباب - (مانند گذار) : نام سازی .
 ربابه - وابسته به " رباب " .
 رشناود - (مانند سرنهاد) : راستگو .
 با بینش . اوستا .
 روان افزای - گوشه ای از دستگاهها و
 آهنگهای ایرانی .
 رهاو - (مانند مران) : آهنگی دلنشین .
 رهاوه - خوش آهنگ . نیک نغمه .
 رهاوی - نام آهنگی زیبا و شادکننده

زغنه - (مانند دهنه) : خیزش آهو .
 آواز . نغمه .
 زند - دختر اشوزرد دشت اسپنتمان .
 برگردان اوستا . آهنگی دلپذیر .
 زند بانو - بانوی خردمند و دانا .
 زند دخت - بانویی چکامه سرا از شهر
 شیراز . در چم : دختر دانشمند .
 ساز نوروز - آهنگ دوم باربد .
 ساهویه - نام خردمندی است .
 (شاید در چم : نیک سایه) .
 سبزارنگ - سبزرنگ . آهنگی باستانی
 سبزشباز - از آهنگهای باربد .
 سبزه بهار - آهنگی دلنواز .
 سپانو - (مانند بیاتو) : دانا . باهوش .
 سپنتا - (مانند بفرما) : پاک . والا .
 با خرد . نیک . برجسته . خوب .
 ستو - (مانند بگو) : گونه ای ساز .
 سرآهنگ - نام آهنگی .
 سرایش - (مانند گرایش) : سرود ه
 سرایی . سخنگویی زیبا . نغمه گرایایی
 و سرود و آواز پرندگان .
 سرواد - (مانند خرداد) : سرود و ترانه
 سروده - ترانه . چکامه . چامه .
 روستان - آهنگی از باربد .
 سروسپی - آهنگی از باربد .
 سگال - اندیشه .
 سگالش - اندیشه وری .

سگاله - اندیشه گری . اندیشوری .
 شب فرخ - نام آهنگی .
 شور - نام آهنگی . شادمانی و خروش .
 شوشک - (مانند بوده) : تنبور . رباب
 و چهار تار . تیهو .
 شهناز - آهنگی دلنواز .
 شیشم - (مانند پیشم) : نام سازی .
 از آهنگهای دلپذیر باربد .
 شادباد - پرده ای از آهنگی .
 شادبهر - آهنگی از باربد .
 شادکان - آهنگی از باربد .
 شادورد - (مانند کار کرد) : پرده ای
 از آهنگها . خرمن ماه . شکوه .
 شارتک - (مانند کارگر) : رباب .
 شاشنگ - (مانند آهنگ) : رباب .
 غژک - (مانند نمک) : کمانچه . تنبور
 فرخ شب - نام آهنگی .
 فرخ روز - نام آهنگی .
 فرزانه - دانش . استواری .
 فرزانه بانو - بانوی فرزانه و دانا .
 فرزانه تاج - با خرد . با دانش .
 فرزانه دخت - دختر دانا . خردمند .
 فرزانه ک - با خرد دوست داشتنی .
 فرزانه - با خرد . دانشمند .
 فرزانه فر - بخرد . دانشمند .

- فرزینه - بزرگزاده • والّا • دانا •
- فرهنگ - دانایی • خرد • مادر خردمند
- کیکاوس •
- فریانه - (مانند درخانه) : دختر
- زردشت اسپنتمان • در چم : گرامی
- و با ارج • دوست داشتنی •
- کنوک - (مانند زبون) : دوشیزه‌ای با
- خرد و دانا • در چم : دختر جوان •
- کیاجور - خردمند • دانا • فرزانه •
- گردانیا - (مانند فردا بیا) : نغمه‌ای
- و آهنگی دلپذیر •
- گلبن - بانویی چکامه سرا •
- گلنوش - آهنگی دلنواز از باربد •
- ماهرویان - یکی از سی‌آهنگ‌باربد •
- مروای نیک - نام آهنگی •
- مشکدانه - یکی از سی‌آهنگ‌باربد •
- مهرآ - (مانند دل را) : اندیشه بزرگ
- مهربانی - نام آهنگی •
- مهرگانی - آهنگی زیبا از باربد •
- مهری - نام سازی •
- میشته - آموزگار خردمند •
- میسنه - آموزگار دانا و بینشمنند •
- مینا - هنردستی • گل • پرنده‌ای زیبا •
- نازنوروز - آهنگی دلپذیر •
- نای سپید - گوشه‌هایی از آهنگها •
- تشد - (مانند ندید) : سرود • نغمه
- نغمه - سرود • آواز • ترانه •
- نوا - آهنگی دلپذیر • نیکویی • دارایی
- نویهاری - آهنگی دلنواز از باربد •
- نوشا - یادگیرنده • باخرد • فرزانه •
- نوشباده - پرده‌ای از نوای چکاوک •
- نوش باده - آهنگی از باربدو پرده
- ای از نوای چکاوک •
- نوشین باده - نام آهنگی دلنواز •
- نویسا - نویسنده •
- والامن - خرد نیک • نیک اندیش •
- وستا - (مانند بهتا) : دانش، بینش •
- وسدخت - (مانند بهدخت) : دختر
- دانش و بینش •
- ویدا - دانش و فرهنگ و بینش •
- ویدوش - دانا • با فرهنگ •
- ویر - هوش • فراگیری • یاد •
- ویرا - با هوش • فراگیر •
- ویستا - دانش و فرهنگ •
- هزار آوا - هزار آواز • هزارستان •
- هنگ - آهنگ • ادب • خرد • سنگینی •
- هومت - (مانند پونه) : اندیشه نیک •
- هیر - آموزنده • آموزشیار • خردمند •
- آتش فروزنده •

بخش چهاردهم

نامه‌های تاریخی

این بخش در برگیرنده ۵۲۴ نام می‌باشد.

آبان‌دخت - همسر داریوش سوم
 در چم: فرشته بگهبان آب و سبزی
 آپام - همسر داریوش بزرگ
 در چم: خوش آب و رنگ، زیبا، گیرا
 آپامه - نگه به "آپام"
 آتوسا - دختر کورش بزرگ، همسر
 داریوش بزرگ، مادر خشایارشا
 دختر اردشیر دوم و کورش دوم
 در چم: نیک تن، خوش‌پیکر
 آدا - از نامهای باستانی، در چم:
 پاداش مینوی، فرشته توانگری
 آدرک - (مانند با گذر): دختر
 یزدگرد، در چم: آتش‌نیک
 آدورا ناهید - همسر شاپور یکم
 ساسانی، در چم: آتش اناهیتا که
 ایزد باروری و سرسبزی است
 آذران - از نامهای ساسانی، در
 چم: آتشین، آتوها
 آذرآناهیتا - نگه به آدورانا هید
 آذریخت - (مانند مادرگفت):
 از نامهای باستانی، در چم: آتش
 رستگاری
 آذر پروا - همسر یزدگرد، در چم
 گل همیشه بهار
 آذر دوست - از نامهای ساسانی
 در چم: دوستدار آتش
 آذرک - دختر یزدگرد، در چم:
 آتش نیک دوست داشتنی

آذرگون - دختری در ویس و رامین
 نظامی، در چم: گل همیشه بهار
 آذرمیدخت - شهریار ایران، در
 چم: دختر همیشه جوان، با آزر
 آذر ناهید - نگه به آدورانا هید
 آذر همایون - از نامهای ساسانی
 در چم: آتش شکوهمند
 آرتا اینت - (مانند آشنا ایست)
 همسر داریوش دوم، در چم: توانا
 و نیرومند راست اندیش، بافر
 آرتا دخت - وزیر دارایی اردوان
 چهارم اشکانی، همسر شاپور یکم
 ساسانی، در چم: دختر راستی
 و درستی، راست کردار و درست
 آرته‌تس - (مانند کار به دل):
 دختر داریوش دوم، در چم: راست
 گفتار و درست کردار
 آرتوزوسترا - (مانند کار جو دوست
 ها): دختر داریوش بزرگ، در چم
 دوستدار راستی و درستی
 آرتوستونه - (مانند دارکوب‌کوبه)
 دختر کورش بزرگ، در چم: راست
 اندیش، درست‌گفتار، نیک رفتار
 آرسا - (مانند پارسا): خواهر
 شاپور دوم، در چم: آسایش‌آذرین
 و آتش آرامش بخش
 آرمه ایتی - (مانند کارگر بینی):
 از نامهای باستانی، در چم: پاک

و فروتنی، مهر ورزی، مهربانی
 آرمیتا - از نامهای باستانی، در
 چم: پاک و درستی
 آرمین دخت - نام شاهدخت‌های
 باستانی، در چم: دختر شادوخرم
 آرمینه - نام دختران در ایران
 باستان، در چم: دختر شادوخرم
 آریاشسب - (شسب مانند بست)
 از نامهای باستانی، در چم: پاک
 آریایی، آریایی نیک گوهر
 آریان - همسر آستیاک، مادر
 ماندانا، در چم: فرشته مهر و نگه
 دارنده زمین، رامش بخش آریا
 آزاتک - از نامهای ساسانی، در چم
 آزاده، وال، با تبار
 آزاد بوخت - (بوخت مانند سوخت)
 در چم: رها و رستگار، آزاده
 آزاد به - از نامهای باستانی
 در چم: آزادمنش، نیک‌تبار
 آزادچهر - از نامهای باستانی:
 با تبار، نیک‌نژاد، آزادتبار
 آزاد دخت - دختر شاپور یکم
 در چم: والاتبار، دختر آزاده
 آزاده - هنرمندی در زمان بهرام
 گور و دلداده او، در چم: آزادمنش
 و آزاد اندیش و رها از وابستگی
 آزرمیدخت - شهریار ایران
 دختر خسرو پرویز، در چم: دختر

همیشه جوان، با آزر
 آزرمیک - از نامهای باستانی، در
 چم: دختر همیشه جوان
 آسا - خواهر شاپور دوم، در چم:
 آرام، دوست داشتنی
 آسایانو - نامی باستانی، در چم:
 آرام، نرم‌خو، مهربان
 آسایانی - نامی باستانی، در چم
 نگهبان آرامش و نرم‌خویی
 آسادخت - در چم: دختر آرام و نرم
 آساتیرا - همسر داریوش سوم، در
 چم: فرشته آرامش و نرمش
 آستی - همسر شاپور دوم، در چم:
 زیبا، گیرا، فریبا، دلنشین
 آستینا - نگه به "آستی"
 آستن - نگه به "آستینا"
 آفرین - از نامهای باستانی، در
 چم: نیک، خوب، برجسته، زه
 آفشید - از نامهای باستانی، در
 چم: فروغ تابناک، پرتو خورشید
 آلوگونه - (آلو مانند پادو): در
 چم: گلگون‌چهر، همسر داریوش
 هخامنشی
 آمله - (مانند کاکله): دختری
 که شهر آمل به نام اوست
 آمی‌تیس - دختر آستیاک پادشاه
 ماد و همسر کورش بزرگ هخامنشی
 در چم: دوست و یاور نیک‌اندیش

آندیا - همسر بابلی اردشیر
دراز دست - درچم: آرزو و امید
آودی - (مانند پارتی): نام زنان
در دوره اشکانیان - درچم: زاده
و آفریده ایزد آب.

اترنجه - (مانند سربر در): از
نامهای باستانی - درچم: آتش
دوست داشتنی و نیک و افراخته
اتوسه - (مانند همونه): گونه‌ای
دیگر از نام "آتوسا".
اجره - (مانند کمره): همسر
انوش.

اخا - (مانند هما): دختر اردشیر
دوم هخامنشی - درچم: نیک، خوب
و بایسته، شایسته و دلپذیر.
اخشیی - (مانند پشمی): نامی
باستانی - درچم: ارزشمند، تابان
اخشیی پنتی - نامی باستانی - در
چم: پیر بها، با ارزش، گرانمایه.
ادرگ - (مانند پرده): دختر
یزدگر د ساسانی.

ارت - (مانند سرد): نام زنان
هخامنشی - درچم: توانگر، دهشگر
و زیبا و نیرومند.
ارتا - (مانند فردا): از نامهای
باستانی - درچم: راستی و درستی.
ارتاوتی - (مانند فرداچونی):

دختر مازیار، برادرزاده خشایارشا.
در چم: دارنده راستی و درستی.
ارتااینت - (مانند فردانیست):
همسر داریوش دوم پسر خشایارشا.
در چم: باشکوه، باافر، توانا، راست اندیش
ارتاوتنا - (مانند فردا فردا): نگ
به "ارتا اینت".

ارتاوند - (مانند فردا فر): دختر
برادر خشایارشا - درچم: دارنده
راستی و درستی.

ارتوشتن - (مانند سرکوبگر):
دختر کورش بزرگ - درچم: پاکدامن
و نیک تبار و بلند پایه.

ارته دخت - (مانند هر دم گفت):
نگ به "آرتا دخت".

ارته زستره - (مانند هر دم گفتند):
دختر داریوش - درچم: دوستدار
راستی و درستی.

ارتمکام - (مانند هر دم کار): دختر
"ارته بازو" سردار هخامنشی - درچم
برآورنده کام راستی و درستی.

ارتی - (مانند سردی): از نامهای
باستانی - در چم: راست و درست.
ارتیستون - (مانند در بیستون):
دختر کورش بزرگ و خواهر آتوسا.
درچم: راست اندیش، راست گفتار،
نیک کردار.

ارجستی - (مانند سرهشتی): نامی

باستانی - درچم: ستوده کام - باارج.
اردویسور - (مانند کرد بیرون): از
نامهای باستانی - درچم: توانایی
بسیار - بالندگی - رودزورمند.

ارزیتون - (مانند در بیرون): دختر
پادشاه باختر - همسر بهرام گور - در
چم: با ارزش - ارزشمند - گرانمایه.

ارسان - (مانند ترسان): همسر
نرسی پادشاه ساسانی - درچم: آرام،
آتش آرام بخش و دلنشین.

ارسن - (مانند پرده): نگ به ارسان.
ارسنه - نگ به "ارسان".

ارشتاد - (مانند شهردار): نامی
باستانی - درچم: راستی و درستی.
نام فرشته پاکی و بهره‌دهی و راستی

ارشتی - (مانند سردزی): ارشتاد.
ارشیت - (مانند گردید): نام زنان
زمان هخامنشیان - درچم: مهربان
و دوست و همدل.

ارشی - (مانند بستی): از نامهای
باستانی - درچم: زیبا، خوب، چهر و
نیرومند و توانا.

ارشین - (مانند فرزین): نام شاه
دختهای هخامنشی - درچم: خوشگل
و خوبرو، زیبا و فریبا.

ارگون - (مانند همچون): شهبانوی
اردشیر یکم هخامنشی - درچم: زیبا
رخ، گلگون چهره، فریبا.

ارتیج - (مانند برخیز): همسر
زردشت اسپنتمان.

ارویج - (مانند گل گیس): نام همسر
زردشت اسپنتمان.

ازیا - (مانند برنا): از نامهای
باستانی - درچم: بالندگی، نیرو،
والایی و شکوه و اوج.

اسبنا - (مانند سمن سا): نامی
باستانی - درچم: دارنده اسب خوب
اسپارترا - (مانند دل بادلها): نام
زنان هخامنشی - درچم: راستگوی

توانمند و دلیر.

اسپازیا - (مانند سرداریا): دلداده
یونانی کورش دوم - درچم: استوار
نیرومند و دلیر.

استاره - نام شاهدختهای هخامنشی.
درچم: ستاره - اختر - فروزان.

استخریات - شهبانویی است - در
چم: سخت، نیرومند، استوار.
استر - (مانند مهتر): شهبانوی
خشایارشا - درچم: ستاره - اختر.

اسنوتک - (مانند تنبورک): نامی
باستانی - درچم: آزاده، وال تبار.

اشا - (مانند رسا): نامی باستانی.
درچم: پاک زن، آزاده، درست و راست
اشا اونی - (مانند رساگویی): نامی
باستانی - درچم: راست و درست.

پاک و والا - باارج.

اشا بوخت - (مانند مراسوخت) : از نامهای باستانی • درچم : پاك، راست و درت رستگار •
اشتی - (مانند پشتی) : از نامهای باستانی • درچم : آرزو، آرمان، كام •
اشوشا - نام آتوسا • درچم : نيسك اندیش، نيك پندار •
اشی - (مانند همی) : نامی باستانی • درچم : فرشته توانگری و سرخوشی و باروری و شادی •
افروچ - (مانند مهروی) : از نامهای باستانی • درچم : پر درخشش، پرتو افکن، روشنی بخش • تابان •
افری - (مانند سردی) : مادر شاپور دوم • درچم : با فر و شکوه • با ارج و والا • ستایش آمیز •
افريك - (مانند نردین) : نام زنان ساسانی • درچم : والا، بلندپایه، بافر **الوگون** - (الومانند مشو) : همسر بابلی اردشیر دراز دست • درچم : زیبارخ، آتشین گونه، گلگون •
امستریس - (مانند دهشترین) : همسر خشایارشا، دختر هوتن، دختر اردشیر دوم هخامنشی، برادرزاده داریوش سوم • درچم : هم پیمان، یار و دوست مهربان و نيك •
امیتیس - (مانند همی بین) : همسر کورش بزرگ، دختر هوخستره که

باغهای واژگون بابل به نام اوست • درچم : هم اندیش، نيك اندیش، یار مهربان و همدم نيك پندار •
اناهیتا بانو - از نامهای باستانی • درچم : بانوی پاك و والا • بانوی فرشته آب و سرسبزی و فراوانی •
اندیکا - (مانند هم پیرا) : نام دختر های ساسانی • درچم : آتشین •
انوشك - (مانند ملوسك) : نام زنان ساسانی • درچم : جاویدان •
انوشه - خواهر پدر شاپور یکم • درچم : جاویدانی، بیمرگ، پاینده •
اوبال - شاهدختی پارتی •
اوتك - (مانند كودك) : نامی باستانی • درچم : بیهمتا، یگانه، خوب، بیتا •
اودا - از نامهای باستانی • درچم : نيكزاد، والاتبار، بانزاد •
اورویج - همسر زردشت اسپنتمان •
اوکا - خواهر اردشیر سوم • درچم : در اوج، بلندپایه، والا •
ایراتيك - از نامهای باستانی • درچم : ایرانی دوست داشتنی •
ایريك - از خانواده زردشت • درچم : آریایی دوست داشتنی •
ایزدیوخت - نامی باستانی • درچم : آزاده، رستگار، دارنده مهر • درستکاری ایزدی •

بابودخت - از نامهای ساسانی • درچم : دختر شایسته، نيك، برجسته •
بابونه - دختر مخدج، نبیره یزدگرد • نام گیاهی بسیا خوشبو •
بامبیش - (مانند گام پیش) : آوازه مادر شاپور یکم • درچم : شهبانو و بانوی درخشان •
باميك - از نامهای باستانی • درچم : پر درخشش، باشکوه، روشن، زیبا •
بانودخت - مادر انوشیروان دادگر بت زرین - دلداده دارا • درچم : بسیا زیبا و فریبا •
بخت آفرید - (بخت مانندگفت) : نام زنان ساسانی • درچم : آفریننده رستگاری و راستی •
بختاور - (مانندگفت آور) : از نام های باستانی • درچم : رستگاری ده •
بخت زاده - (بخت مانندگفت) : درچم زاده نيك، نيكبخت و رستگار • نام زنان دوره ساسانیان •
براز دخت - (مانند فراز گفت) : از نامهای ساسانی • درچم : دختر زیبا و برازنده و آراسته •
براز دختینه - (مانند فراز گلچینه) از نامهای ساسانی • درچم : دختر فریبا و برازنده و پیراسته •
بردانه - (مانند مردانه) : از شاه بانوان ایران • درچم : برتر، والاتر،

بزرگزاده، والاتبار، نيك نژاد •
یرسین - (مانند فرزین) : دختر ارته باز و سردار هخامنشی • درچم : سیمرغ بزرگ و ستاره درخشان •
یرشین - دختر داریوش سوم، همسر برته سردار ایرانی • درچم : سیمرغ بزرگ و اختر فروزان •
یرفور یاد - (مانند سرور باد) : نام زنان ساسانی • درچم : تیزهوش •
یری - (مانند دری) : همسر برآسپ پسر سیاوش در زمان ساسانیان • درچم : والا، ارجمند، گرانمایه، بیور •
یسوسك - (مانند اروسك) : نام شاهزاده بانویی ساسانی •
یغ دخت - (مانند سرچفت) : نام زنان باستانی ایران • درچم : دختر خدا، بلندپایه، پاك و والا •
یغ چهر - (مانند در مهر) : نام زنان باستانی • درچم : ایزد نژاد، ایزد تبار، ایزد نهاد •
یگاچهر - (مانند روا مهر) : از نام های باستانی • درچم : ایزد سرشت •
یلن دخت - (مانند کهن گفت) : دختر هرمن سوم • درچم : دختر والا **بن یس** - (مانند گلرس) : از نامهای باستانی • درچم : نيك نژاد •
بنیان دخت - نام دختران ساسانی • درچم : والاتبار، دختر نيك نژاد •

بوران - دختر دادمه (حسن سهل)
 وزیر آریایی و نیرومند مامون تازی
 در چم: گلگونه، سرخ قام، زیبا، گیرا
به آفرید - نام زنان ساسانی
 آفریده نیکو، نیکزاد، بهداد
به دخت - نام دیگر مادر انوشیروان
 دادگر
در چم: دختر نیکزاد و برگزیده
بهرام دخت - نام زنان ساسانی
 در چم: دختر فرشته نیرومندی
بهشت مهر - نام باستانی زنان
 چم: خورشید مینو، خورشید بهشت
بهک - (مانند دلک)
 دختر اردشیر
 دوم
 در چم: نیک، برجسته، خوب
لیتگ - بانویی از خاندان زردشت
 اسپنتمان
 در چم: نیک یگانه، یکدانه
 ایزدی، تکدانه خدایی
بیدخت - نام زنان ساسانی
 در چم: دختر خدا، ستاره ناهید

پارمیس - دختر بردیا برادر کمبوجیه
 سوم
 همسر داریوش هخامنشی،
 نبیره کورش بزرگ
 در چم: پرند
 زیبای بزرگ، پرواز بلند
پاوه - (مانند کاوه)
 مادر همسر مزدک
 در چم: پاک و نیک
پدما - (مانند درجا)
 همسر داریوش
 در چم: گل نیلوفر
پرشاد - (مانند گلشاد)
 خواهر

داریوش دوم
 در چم: سرشاد و خرم
پرمیس - (مانند نردین)
 نگدبه
 "پارمیس"
پروشات - (مانند برو شاد)
 نام
 شهبانوی داریوش دوم، مادر اردشیر
 دوم هخامنشی
 در چم: بسیار شاد،
 کامیاب، کامکار، خرم، پرزاد
پروشانی - (مانند برو مانی)
 زن
 اردشیر دوم هخامنشی
 در چم: نیک
 برجسته، بلند پایه، وال، پرزاد
پروک - (مانند بمون)
 نام ساسانی
 در چم: پر درخشش، روشن، پرفروغ
پریتا - (مانند پریسا)
 نام زنان در
 ایران کهن
 در چم: همانند فرشته
پریزاد - همسر داریوش دوم، دختر
 اردشیر
 در چم: آفریده فرشته
پریزک - نام زنان ساسانی
 در چم: آفریده دوست داشتنی فرشته
پرین - (مانند زمین)
 دختر غباد
 پادشاه ساسانی که زنی خردمند
 بود
 در چم: ابریشم، فرشته مانند
پری ویس - دختری در ویس و رامین
 نظامی
 در چم: پریسا
پوران دخت - سی امین پادشاه دوره
 ساسانی
 دختر خسرو پرویز
 در چم
 دختر گلگون چهر و فریبا
پورچته - (مانند زور تنه)
 دختر
 زردشت اسپنتمان
 در چم: خردمند

پورک - (مانند مورگ)
 همسب
 بهرام گور
 در چم: فرزند دوست
 داشتنی، فرزند موبور و یا گلگونه
پورو چیستا - (مانند کوکو ایستا)
 دختر زردشت اسپنتمان
 در چم:
 بسیار خردمند و بادانش
پیستی درات - (مانند گیتی سرای)
 نام زنان باستان
 در چم: دارنده فر
 و فروغ درخشان، تابان، روشن
پیستی رام - نام زنان باستانی
 در
 چم: دارنده آرامش و نیک خویی
پیستی زاد - خواهر گوماتا
 در چم:
 زاده نیکی، نیکداد، آفریده خوبی
پیروچک - (مانند فیروزه)
 نام
 زنان ساسانی
 در چم: فیروزه
تاپیک - از نامهای باستانی
 در چم
 تابان، درخشنده، پرفروغ، روشن
تاتیرا - همسر اردشیر هخامنشی
 در چم: ستاره درخشان، اخترتیر
تخشک - (مانند بندر)
 از نامهای
 ساسانی
 در چم: بسیار زیبا، خوش
 چهره، خوشنما، فریبا
تذرو - دختر داریوش سوم
 در چم:
 پرنده زیبایی به همین نام
تری تخم - (مانند زری بند)
 همسر
 اردشیر دوم هخامنشی
 در چم: از
 نژاد فرشته تیر، سه برابر نیرومند

تریتی - (مانند مریزی)
 دختر
 میانی اشوزردشت اسپنتمان
 در
 چم: سه برابر استوار و زیبا
تگر نوهی - (مانند نگر مویی)
 از
 شهبانویان ماد
توران - دختر خسرو پرویز
توران دخت - دختر خسرو پرویز
توشنا مییتی - (مانند برنا ندیدی)
 از نامهای باستانی
 در چم: نیک
 اندیش، آرام، بامهر، فرشته مهر
تهرت - (مانند بندر)
 دختر اشو
 زردشت اسپنتمان
تهمک - (مانند بندر)
 بانوی
 انوشکان
 در چم: باتبار، نژاده، نیک
تهمیک - نگدبه "تهمک"
جاماسپه - (مانند آراسته)
 همسر
 اردشیر دراز دست
 در چم: دارنده
 اسبان درخشنده و رام
جغروت - (مانند سرپوش)
 نامی
 باستانی
 در چم: دختر نیک و پاک
جم چهر - نامی باستانی
 در چم:
 از نژاد جم، والانژاد، بزرگزاده
جهان بانو - خواهر شهربانو
 شاهزاده ساسانی
 در چم: بانوی
 گیتی، برتر از همه، بانوی بانوان
چشمک بانو - از نامهای باستانی

چهر آزاد - شاهزاده ساسانی . نام
 همدختر بهمین . درچم : آزاده ، نیک
 سرشت ، آزاده منش ، بانژاد .
چهر برزین - (مانند مهر رنگین)
 از نامهای ساسانی . درچم : دارنده
 نژاد برتر ، دارای تبار والا ، نیکزاد
چهرزاد - شاهزاده ساسانی . درچم
 زاده نژاد پاک ، نیکزاد .
چیستا - دختر زردشت اشواسپنتمان
 درچم : دانا ، پردهانش ، بسیار دان .
چیستی - نگ به " چیستا " .
خاور - نام زنان ساسانی . درچم : پر
 فروغ ، روشن ، روشنایی .
خاور دخت - نام زنان ساسانی . در
 چم : دختر فروغ و روشنایی .
خراسونه - (مانند خداگونه) : دختر
 جستان و مادر سالار مرزبان . درچم :
 فروزش فروغ و خورشید .
خراسویه - نگ به " خراسونه " .
خرم بهار - نام شاهزاده ای .
خسرو دخت - نام زنان ساسانی .
 درچم : دختر خوشنام ، دختر شاه .
خوپسار - از نامهای ساسانی . درچم :
 خوب چهر ، زیبا رخ ، فریبا .
خور آفرید - از نامهای ساسانی . در
 چم : آفریده خورشید و درخشش .
خوران زیم - شهبانویی از سنگ

نپشته شاپور . در چم : خورشید
 گردون .
خورداد - از نامهای باستانی : درچم
 رسایی ، والایی ، فرشته آب .
خورشید چهر - از نامهای ساسانی :
 درچم : از نژاد فروغ ، خورشیدرخ .
خورمه - (مانند سرمه) : همسر
 مزدك . درچم : ماه خورشید ، پرفروغ
خورمینه - نام دیگر همسر مزدك .
 درچم : خورشید درخشان .
خوشك - (مانند پونه) : از نامهای
 باستانی . درچم : خوشه زیبا و ملوس .
خوشیزك - (مانند گلینه) : از نام
 های ساسانی . درچم : سرشاد ، خرم و
 سرزنده دوست داشتنی .
خوشیزك - (موریزك) : درچم : خوشه
 زیبای دوست داشتنی .
دادی - دختر سیامك ، نوه زردشت .
 درچم : نیکزاد ، دادگر ، داد پیشه .
دارییا - دختر برادر خشایار شا . در
 چم : خداوند مهر و دادگری .
داماسپیا - شهبانوی اردشیر یکم
 درچم : دارنده اسبان رام و خوب .
دامانه - نام زنان هخامنشی . درچم
 آرام و رام و همدم نیک .
دامینه - نام تاریخی لری .
دانویه - شاهزاده ساسانی . درچم :

باتبار ، نیک نژاد ، والا .
دختان شاه - شهبانوی ساسانی . در
 چم : دختر پادشاه ، بزرگزاده ، والا .
دخت پوران - پوران دخت ، شاه ایران
دخت زمان - دختر خسرو پرویز . در
 چم : سرآمد ، زیبای زمان .
دخت نوش - دختر نرسی پادشاه
 ساسانی ، همسر غسانی . درچم :
 دختر جاویدانی و کامیاب .
درستی - دختر انوشیروان دادگر .
 همسر بهرام گور . درچم : نیک کردار
دریا - از نامهای زنان ساسانی .
کریه تینا - (مانند زمینه بی ما) :
 دختر مهرداد ششم . درچم : فروغ
 ایزدی ، فریزدانی .
کری پیتی - (مانند نمی بینی) :
 دختر داریوش سوم . درچم : پرتو
 یزدانی و رخشندگی ایزدی .
دغدو - (مانند پرگو) : مادر زردشت
 اسپنتمان . درچم : بارور ، بهره بخش
 و شیر دهنده ، والا ، برجسته ، شایسته
دل آرا - دل داده بهرام گور و همسراو
 درچم : دلبر ، زیبا ، آرامش بخش .
دل افروز - همسر شاپور یکم . درچم :
 شادی بخش ، زیبا ، گیرا ، دلچسب .
دمانوش - (مانند فراموش) : نام زنان
 اشکانی . درچم : جاویدانی آتشین .
دمك - (مانند رمه) : نام زنان در

زمان سلوکیه . درچم : آتش کوچک و
 دوست داشتنی .
دینك - شهبانوی یزدگرد دوم ، مادر
 هرمز سوم ، پادشاه ایران در زمان
 ساسانیان . درچم : داور دادگریک
دینگی - مادر پاپک شاه ، شهبانویی
 در سنگ نپشته ساسانی . درچم :
 دادگستریک مایه و با مهر .
رادنوش - نام زنان ساسانی . درچم :
 نیک جاویدان و کامروا .
راماسپیا - همسر اردشیر یکم . درچم
 دارنده اسب رام و نیک .
رام افزون - از نامهای ساسانی . در
 چم : فزاینده آرامش و شادی خرمی
رام بهشت - مادر بزرگوار دیشیر . در
 چم : نیک بهشتین .
رامنیتار - (مانند بادلی شاد) : از
 نامهای ساسانی . درچم : شادی بخش
 و آرامش دهنده .
رامیشن - (مانند با زیست) : از
 نامهای باستانی . درچم : رامش ، شور
 و شادی و خرمی .
رامك - از نامهای ساسانی . در چم :
 آرام و زیبای دوست داشتنی .
رایومند - (مانند بازوبند) : از نام
 های ساسانی . درچم : دارنده شکوه و
 درخشش ، خداوند روشنایی و فروغ .

رَچگونه - (مانند زرچوبه) : دختر
 مهرداد اشکانی • درچم : روشنایی و
 فروغ ، تابش و درخشش •
رخسانا - (مانند گل با ما) : دختر
 داریوش سوم • درچم : بسیار روشن و
 زیبا ، پر فروغ و فریبا •
رخسانه - نگه به " رخسانا " •
ردیمه - (مانند زمینه) : همسر
 کمبوجیه • درچم : دهشگر بزرگ •
 مهر ورز زیبا رخ • یاری شده ایزدماه
رکسانا - نگه به " رخسانا " •
رکسانه - نگه به " رکسانه " •
روتکی - مادر اردشیر بابکان • درچم
 زیبارخ ، فریبا •
رو دخت - (مانند دو مشت) : نام
 یکی از شاهدختها • درچم : زیبارو •
 دختر گلگونه •
رود گون - (مانند گلگون) : دختر
 خشایار شا و اردشیر دوم • درچم :
 گلگون رخ ، زیبا چهر ، گلرخسار •
رودگونه - (مانند گلگونه) : دختر
 مهرداد یکم اشکانی • درچم : زیبا
 رخ ، گلگون چهر ، گلرخسار •
روچک - (مانند سوزن) : از نامهای
 ساسانی • درچم : درخشان ، پرفروغ
رودابه - نام شاهدختهای هخامنشی
 و نام مادر رستم • درچم : فرزند پر
 فروغ و تابان ، درخشنده و فروزان •

روشنک - دختر داریوش سوم • درچم
 روشن ، درخشان ، تابان پرناز •
روشنیک - (مانند پوستین) : از
 نامهای باستانی • درچم : درخشان
 و روشن ، پر درخشش و فروزان •
زامهر - از زنان نامدار دیلمی •
 درچم : آفریده فروغ و روشنایی ، مهر
 زاد ، داده ایزد مهر •
زربانو - از نامهای ساسانی • درچم
 بسیار خوشنما ، بانوی زرین •
زрман - (مانند فرمان) : از نامهای
 باستانی • درچم : همانند زر ، زیبا •
زرنوش - از نامهای باستانی • درچم
 زیبای جاویدان ، ارزشمند کامروا •
زرواندخت - (مانند گلبن گفت) :
 دختر مهر نرسی از سرداران نامی
 یزدگرد یکم ، دختر شاپور دوم • در
 چم : دختر خدای زمان •
زرین گیس - دختری در ویس و
 رامین نظامی • درچم : دارنده گیسو
 و زلفان زرین ، تلایی گیسو •
زند - همسر انوشیروان دادگر ،
 خواهر زاده بهرام چوبین • درچم
 گرانمایه ، اشویی ، پاک ، نیک و والا
زوشک - از خانواده زردشت • در
 چم : ستاره رخشان •
زیانک - (مانند میانه) : از نامهای

ساسانی • درچم : زندگانی ، زنده
 زیباروی ، سرزنده شاد •
زیجانک - (مانند بی شانه) : دختر
 اردوان اشکانی • درچم : زیبای پایدار
 و جاویدان ، جان زنده دوست مهر •
زیجنگ - (مانند بیرنگ) : دختر
 اردوان اشکانی • نگه به زیجانک •
زیوا - از نامهای ساسانی • درچم :
 زیبا ، خوش چهر ، نیک زیست •
زیوری چی - از نامهای ساسانی :
 درچم : زرین ، پر درخشش : تابان
ژنگ - (مانند چهر) : دخترمانی • در
 چم : شبنم گلها و درختان •
ژیژیس - از همراهان پروشات که
 همسر داریوش دوم بود • درچم :
 دارنده زندگی نیک ، زنده باش •
سامبیکه - همسر غبادپادشاه دودمان
 ساسانی • درچم : زگه های آتش ایزدی
سپاکو - (مانند بیاتو) : دایه کور ش
 بزرگ • درچم : استوار و پایدار •
سپیرابود - (مانند کسی را بود) :
 از نامهای باستانی • درچم : دارنده
 پدر نیک و خوب و برجسته •
سپینود - (مانند بدین در) : همسر
 بهرام گور • درچم : پاک و اشویی ، نیک
 و وارسته ، خوب و شایسته •

سپینوز - نگه به سپینود •
ستی رنگ - دختر پادشاهی است • در
 چم : زیبا و خوشگل •
سروناز - دختری در ویس و رامین
 نظامی • درچم : خوش اندام فریبا •
سری بانو - از نامهای باستانی • در
 چم : زیبایی ، شادکامی ، کامیابی •
سری تک - دختر اشوزردشت • درچم :
 زیبای بیهمتا ، شادکام یگانه •
سمبوك - (مانند کمبود) : دختر
 غبادپادشاه ساسانی • درچم : زگه
 های آتش یزدانی •
سمبیکه - نگه به سمبوك •
سمیرا - (مانند نمیرا) : خواهر پدر
 شیرین • درچم : آزاده زلف سیاه •
سندخت - (مانند من گفت) : از نام
 های باستانی • درچم : دختر سیمرغ
سندوس - (مانند زردوز) : خواهر
 خشایارشا •
سوریک - از نامهای باستانی • درچم
 گلگونه ، زیبارخ ، گلرنگ ، گلرخ •
سوسن دخت - همسر یزدگرد یکم •
 درچم : دختر سوسن •
سیسنگ - (مانند بی کمر) : دختر
 آسیابانی که بهرام گور به او دل داد
 و او را به همسری گرفت • درچم :
 گل سوسن کوچک دوست داشتنی •
سها دخت - (مانند رهاگفت) : همسر

مهرداد پنجم درچم: دختر سر و بالا، خوش اندام، زیبا .
سهاروی - (مانند رهاجوی) : از نام های باستانی . درچم: زیبارخ .
سهاکتوش - (مانند رها منوش) : از نامهای باستانی . درچم: دختر سروبالا، خوش اندام .
سهاک دخت - (مانند رها جفت) : از نامهای باستانی . درچم: دختر سروسپی، بلند بالا، خوش اندام .
سپی - (مانند همی) : زنی درویش و رامین نظامی . درچم: راست و بالابلند، زیبا پیکر، خوش اندام .
سیرا نوش - نام دیگر شیرین، زن خسرو پرویز . درچم: زیبایی کامیاب .
سیران - نگه به "سیرانوش" .
سیم تن - همسر بهرام گور . درچم: سپید تن، زیبا پیکر، فریبا .
سیمین دخت - نام شاهزاده‌ای در ارمنستان ایران . درچم: سیم تن ، سپید پیکر و زیبا .
شاپور دخت - شهبانوی سکان شاه آفرید . دختر یزدگرد .
شاه آفرین - دختر پیروز، نسوه یزدگرد ساسانی .
شاهان دخت - از نامهای ساسانی .
شاه ناز - از زنان نامدار دیلمی .

شکر - دلداده خسرو پرویز .
شنگلید - (مانند سر رسید) : دختر برزیگری به نام "برزین" که بهرام گور به او دل باخت . درچم: گل و گیاهی به همین نام .
شوشین دخت - همسر یزدگرد یکم . درچم: دختر نورسته .
شهرآب - از نامهای ساسانی . درچم: آبروی بزرگی، والایی، برجستگی **شهریانو** - شاهزاده ساسانی . درچم بانوی شهریار، بزرگزاده، نژاده .
شهرزاد - شاهزاده ساسانی، دختر هزار و یک شب . درچم: آفریده نیک بزرگی، زاده شهریار، بزرگزاده .
شهرنوش - از شاهدختهای ساسانی . درچم: جاودانه شهریار، کامیاب و کامروای بزرگ، زیبا و خویر خسار .
شهری - مادر برزویه پزشک . درچم دارنده رخساره شهریاری .
شهرروز - از نامهای باستانی . درچم خوشبخت، دارنده روزگاران شهریار **شهناز** - دختری از پادشاهان دیلم .
شیریانو - آوازه دختر یزدگرد .
شیرین - همسر خسرو پرویز .
شیرین بر - (بر مانند سر) : از نامهای ساسانی . درچم: شیرین تن، زیبا، فریبا .
شیرین سیرا - همسر خسرو پرویز .

درچم: زیبا رخ شیرین .
شیرین وَر - از نامهای ساسانی .
شیوَد - همسر اردشیر - همسر بهمن اردشیر، مادر ساسان .
غاغم - (مانند باگل) : مادر هرمز و همسر انوشیروان دادگر . درچم: پوست سپید گرم کننده و روشنایی روز **فایدم** - همسر کمبوجیه، همسر داریوش بزرگ . درچم: گل نیلوفر .
فدیا - (مانند دریا) : همسر داریوش بزرگ . درچم: گل نیلوفر .
فراتگون - همسر داریوش بزرگ و دختر آرتان برادر داریوش . درچم بلند پایه، با شکوه، **فروزان** .
فرزوشگ - از خاندان زردشت . درچم: ستاره درخشان سربرکشیده .
فراسیس - دختر کاسانه هخامنشی . درچم: دارنده اسب تند و تیز نیک **فراهخش** - (مانند روا دست) : از نامهای هخامنشی . درچم: دوستی و مهر فراوان، یاری بسیار .
فرخ پی - همسر شاپور بزرگ که او را از دست رومیان رهایی داد . درچم: خجسته گام، نیک پی .
فرندرم - دختریکی از بزرگان .
فرگون - از نامهای باستانی . درچم

باشکوه، پردرخشش، پرفروغ .
فرنگه - دختر پگاسره، از بزرگان ساسانی . درچم: برجسته و تابان .
فرنگه‌اد - (مانند سمنزداد) : از نام های باستانی . درچم: باشکوه و والافرنو - مادر بزرگ اشوزردشت . درچم: روشن، پرفروغ، تابان .
فرتی - (مانند بدهی) : دختری بزرگ اشوزردشت بینشمنند . نام زنان ساسانی . درچم: فراوان و بسیار .
فره ماه - دختر چهار بخت، بانوی پوشین سات ساسانی . درچم: زیبا و شکوه ایزدماه .
فرهما - از نامهای ساسانی . درچم فروغ فرخنده، شکوه خجستگی .
فره‌ها - نگه به "فرهما" .
فریتا - از نامهای باستانی . درچم همتای فرشته، زیبا مانند پری .
فریه - (مانند همین) : نام زنان در دوره ساسانیان . درچم دوست، یار و دلداده .
فتنه - دلداده بهرام گور .
فورک - (مانند پولک) : همسر بهرام گور . درچم: گلگونه زیبا و ملوس .
فیروز دخت - دختر فیروز شاه .
کارا - از نامهای باستانی . درچم: کارآمد، شایسته، بایسته، کاردان .